بسم الله الرحمن الرحيم

كربلاء طريق الأقصى

Karbala is the path to Al-Aqsa

عنوان	**کربلا طریق الأقصی**
مؤلف	احمد پناهیان و پژوهشگران مؤسسه فرهنگی هنری راه فخرالأئمه علیهم‌السلام (غلامرضا شاهلو ـ حمید عسگرلو)
طراح جلد	محمدرضا کاکاوند
نوبت چاپ	چاپ اول ـ تابستان ۱۴۰۳
تهیه شده در	قرارگاه اربعین هیأت رزمندگان اسلام تهران، خیابان فاطمی، قبل از تقاطع کارگر، فاطمیه بزرگ تهران. تلفن: ۵۵ ـ ۰۲۱۸۸۹۸۶۹۵۳
قیمت	۵۰۰۰۰ تومان

فهرست

مقدمه مؤلف

بسم الله الرحمن الرحیم

«بَذَلَ مُهْجَتَهُ فِیكَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَیْرَةِ الضَّلَالَةِ...» (فـرازی از زیـارت اربعیـن)

آری! ذبـح عظیـم می‌بایسـت دسـتاوردی عظیم‌تـر داشـته باشـد. آنکـه کلیـددار وحـی الهی اسـت و بـه واسـطه عتـرت پاکـش، عتـاب و جـزا بـرای خلـق عالـم تعییـن می‌گـردد، اگـر چنانچـه بـا این شـرایط هـم بـه شـهادت نمی‌رسـید، چراغ هدایـت و کشـتی نجات بشـر معیّن شـده بـود. بی شـک خـدای متعال از هرچـه بگـذرد، از خون پاک معشـوق خـود نمی‌گـذرد.

بیـداری امـت، همـان «لِیَقومَ النّاسُ بِالقِسط» و همـان خروج از عبـادت طاغوت و ولایـت طاغوت و ورود بـه طاعـت و ولایـت الله اسـت. در ایـن میان، مبـارزه و جهـاد بـا یزیدیـان زمـان، یعنـی رژیـم و بانـد سـفّاک و خون‌آشـام صهیونیسـتی و امریکای جنایتـکار کـه روی یزیدهـا و نمرودهـا و فرعـون ها را در سـتم و آدم‌کشـی سـفید کرده‌انـد و در غـزه، فلسـطین، لبنان و سـوریه نسل‌کشـی و جنایت را به اوج خـود رسـانده‌اند، فریضـه ای برآمـده از همیـن اصل اسـت.

زائـر مکرم اباعبدالله الحسـین علیه‌السلام کـه با صدای رسـا می‌گویـد: یـا اباعبـدالله... «إنـی أتَیتُـكَ أُجَـدِّدَ

المیثاق»؛ یعنی آمده ام برای تجدید عهدی دوباره، رسالت عظیمی بر عهده دارد.

این زنده نگه داشتنِ خون و مکتب سید الشهداء و قیام برای محو باطل و حاکمیت کفر، تا اقامه دولت کریمه منتقم ثارالله، بصیرتی عمیق، جهادی همه جانبه و ثبات قدمی مثال زدنی می‌خواهد. برای همین می‌گوید: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِی أَكْرَمَنِی بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيائِكُمْ وَ رَزَقَنِی الْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَنْ يجْعَلَنِی مَعَكُمْ فِی الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ أَنْ يثَبِّتَ لِی عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِی الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ...» و چه گوارا و جان‌بخش است رسیدن به فوز شهادت و مقام محمود نزد خدای متعال.

این مهم، همان مطلبی است که سیدالساجدین علیه‌السلام از خدای متعال درخواست کرد: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ...»؛ عزّت که اولین و مهمترین دستاورد و روشن‌ترین جلوه حماسه عاشوراست، همان انگیزه اول دولت کریمه است و بدینوسیله اتصال بین عاشورا و قیام حضرت حجت ارواحنافداه به زیبایی عیان می‌شود:

- «وَلِلَّهِ العِزَّةُ وَلِرَسولِهِ وَلِلمُؤمِنينَ...»

- «ألاَ تَرَونَ أنَّ الحَقَّ لا يُعمَلُ بهِ ، و أنَّ الباطِلَ لا يُتَناهى عَنهُ ، لِيَرغَبِ المُؤمنُ في لِقاءِ اللهِ مُحِقّا ، فإنّي لا أرَى المَوتَ إلاّ سَعادَةً ، و لا الحَياةَ مَعَ الظّالِمينَ إلاّ بَرَما...»

- «المَوتُ أولی مِن رُکوبِ العاری» و...

و از این رهگذر است که اربعین سالار شهیدان علیه‌السلام بدرستی احیاکننده این خون و قیام عزت‌بخش است که در دستور کار کربلاییان قرار گرفت. این موهبت الهی را بعد از سیدالشهدا علیه‌السلام، مدیون امام سجاد علیه‌السلام و زینب کبری علیهاالسلام هستیم. و می‌بایست همچنان پرچم حیات بخش و عزت‌آفرین آن را در اهتزاز نگه‌داریم.

چه زیبا و نغز فرمود رهبر معظم انقلاب: «جرقهٔ قیام‌های عاشورایی بعد از کربلا، مثل توابین و مختار، در اربعین زده شد؛ در فریادها و روضه‌ها و روایتگری‌های کربلا در اربعین و پس از آنچه زنده‌شدن خون سالار شهیدان بود و هرکه کربلا آمده بود خود را برای تقاص خون مظلوم مهیا می‌کرد. اگرچه قاطبهٔ امت اسلامی به‌تصریح سالار شهیدان، اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام، عبید دنیایند و دین تنها لقلقهٔ زبان آن‌هاست، عاشوراییان و یاران صدیق ائمهٔ هدی علیهم‌السلام کم‌اند، ولی هستند.»

خط جهاد و شهادت همان خط سرخ محمد و آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله است که با اقامه شعار و قیام حسینی پویا و احیاگر است.

در این مختصر کوشش شده است با کاوش در ابعاد فریضه زیارت ائمه هدی علیهم‌السلام، به ویژه سیدالشهدا علیه‌السلام، درباره جهاد و شهادت و تکلیف زائر کربلا به قدر بضاعت تحقیق شود، تا چراغ

راهی باشد برای زوار سیدالشهدا و رهپویان این واقعیت سرخ و اصیل اسلامی.

بی شک نقص و قصور در جمع آوری و تولید این رهتوشه نورانی با وجود بضاعت مزجاه اجتناب ناپذیر بود، که با عنایت استادان و نخبگان علمی و معنوی جبران خواهد شد؛ ان شاءالله.

امید است که این تلاش ناچیز، مقبول خداوند متعال و اباعبدالله الحسین علیه‌السلام، حضرت زینب کبری و سایر شهدای کربلا قرار گرفته باشد.

در خاتمه، یاد و راه شهدای طریقت حسینی را گرامی می‌داریم؛ از شهدای مشایه تا شهدای دفاع مقدس و جبهه مقاومت و مدافعان حریم آل الله علیهم‌السلام؛ بویژه سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس، شهید اسماعیل هنیه و همرزمان و همسنگرانشان اعلی الله مقامهم الشریف...

اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاکِرِینَ لَکَ عَلَی مُصَابِهِمْ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی عَظِیمِ رَزِیَّتِی اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی شَفَاعَةَ الْحُسَیْنِ یَوْمَ الْوُرُودِ وَ ثَبِّتْ لِی قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَکَ مَعَ الْحُسَیْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَیْنِ الَّذِینَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَیْنِ علیه‌السلام.

من الله التوفیق و علیه التکلان

مؤسسهٔ راه فخرالائمه علیهم‌السلام

احمد پناهیان

فصل اول؛ کربلا نقطه‌ی آغاز

آمادگاه کربلا

یـک حقیقت و چنـد قرائت؟! مگر امام حسـین علیه‌السلام با یزید، خصومت شـخصی داشـت؟!

«قال الحسین علیه‌السلام: وَ أَنِّی لَمْ أَخْرُجْ أَشِراً وَ لَا بَطِراً وَ لَا مُفْسِداً وَ لَا ظَالِماً؛ قیام من از بجهت شرارت و یا خودنمایی و از روی ظلم و فساد نیست»[1]

جنـگِ در کربـلا، دردِ دل بـود نـه گردن‌فـرازی؛ بـرای آقایی اقامـه عزا میشـود که درد دین داشـت و بـه زیـارت شـهیدی میرویم کـه دغدغـه‌اش دفع ظالـم و دفـاع از مظلـوم بـود. چـرا نباید کربـلا را در مقیـاس جهانـی دید؟

«وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّی ص أُرِيدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّی وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام؛ قیام من برای اصلاح أمت جدم صلی‌الله‌علیه‌وآله است. من میخواهم امر به معروف و نهی از منکر نموده و بر اساس سیره‌ی جد و پدرم عمل نمایم.»[2]

آیـا میتـوان مدعـیِ پیـروی از چنیـن آقایی بود و بـرای او رخـت عـزا پوشـید و بـه زیـارت مدفـن او مُشـرف شـد، بـدون آنکه توجهـی بـه راه و مـرام او داشـت؟! مگـر نـه ایـن اسـت کـه زیـارت، تجدیـد

۱. در نامه‌ای به برادر خود، محمد بن حنفیه. بحارالأنوار، علامه مجلسی ج۴۴ ص ۳۲۹

۲. در نامه‌ای به برادر خود، محمد بن حنفیه. بحارالأنوار، علامه مجلسی ج۴۴ ص ۳۲۹

بیعت و تازه نمودن پیمان است؟ آیا زیارت با نیّتی کمتر از این رواست؟

امام سجّاد علیه‌السلام «ألا و إنَّ أبغَضَ النّاسِ إلَی اللهِ مَن یَقتَدي بِسُنَّةِ إمامٍ و لا یَقتَدِي بِأعمالِهِ؛ آگاه باشید که همانا منفورترین مردم نزد خداوند کسی است که سیره امامی را برگزیند ولی از کارهای او پیروی نکند.»[1]

عیارِ عزاداری و زیارت ما چه مقدار است؟ قضاوت با شما...

«چشمها را باید شست، جور دیگری باید دید»[2]؛ بنا نبود که تکلیفمان تنها در سیاه پوشیدن و شرکت در عزاداری خلاصه شود و کربلا رفتن نقطه‌ی پایان کارمان باشد. بنا بر این بود که کربلا ایستگاه پایانی نباشد و "**راه قُدس از کربلا بُگذرد!** " آیا حقیقتا چنین است؟ صاحبِ این خوان مسیری را گشود و قاعده‌ای را بنا نهاد تا مدعیانِ پیروی از حق، راه را گم نکنند:

قالَ الحُسَینُ علیه‌السلام: «مِثلی لایُبایِعُ لِمِثلِهِ»[3] «ألا وَ إنَّ الدَّعيَّ ابنَ الدَّعيّ قَد رَکَّزَ بَینَ اثنَتینِ بَینَ السُلَّهِ وَالذِلَّةِ وَهَیهاتَ مِنّا الذِلَّةُ»[4] «مَن کانَ باذِلاً فِینَا مُهجَتَه، وَ مُوَطِّناً علی لِقاءِ اللهِ نَفسَه، فلْیَرحَل مَعَنا،

---

۱ . الکافی ، ج ۸ ، ص ۲۳۴
۲ . سهرات سپهری
۳ . بهنگام شنیدن مرگ معاویه و درخواست بیعت با یزید از سوی والی مدینه. فتوح ابن اعثم ج ۵، ص ۱۴
۴ . کلام حضرت در روز عاشورا. اللهوف، ص ۹۷

فإِنّي راحلٌ مُصبِحاً».[1] همچون منی با همچون یزیدی بیعت و سازش نمیکند... آگاه باشید که این حرامزاده فرزند حرامزاده مرا در میان تیزی شمشیر یا ذلّتِ سازش در تنگنا قرار داده است و حال آنکه ذلّت از دور است (وَهَیهاتَ مِنّا الذِلَّةُ). هر کسی که میخواهد در راه ما بذل جان نماید، درحالیکه خود را برای ملاقات با خدا آماده نموده است، پس با ما همراه شود. من فردا صبح راهی هستم. انشاءالله.

پیـرو حقیقی سیدالشـهداء علیه‌السلام، حضـرت زینب علیهاالسلام اسـت کـه در اربعیـن، عاشـورایی دوبـاره بپـا نمـود و بـا مجاهدت خویش معبر را باز نگاه داشـت تـا کربلا، همـواره محور هر قیـامِ حقّـی و بهانه‌ی هر ظلم‌سـتیزی باشـد. لذا طریق‌الحسـین علیه‌السلام از کربلا تـا هر نقطه از عالم اسـت که پایـگاه یزیدیان و محل ستم بر مسـتضعفان اسـت؛ دیروز عراقِ عرب، امروز فلسـطین. امروز مقصد قُدس شـریف اسـت. غزّه‌ی مظلـوم اما مقتـدر که مانـع بزرگی در برابر نقشـه‌ی نیل تا فرات شـده اسـت.

مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ؟

نَصْرٌ مِنَ اللهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللهِ؛ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللهِ فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ؛ [در واقـع] یـاری از جانـب خداسـت

---

۱. بهنگام عزیمت از مکه بسوی کوفه. بحار الأنوار، ج۴۴، ص۳۶۶

و پیـروزی نزدیک اسـت و بشـارت بـاد بـر مومنان. ای مومنــان! یاور خدا باشـید همان‌گونه که عیسـی بـن مریـم از حواریـون پرسـید: « در راه خـدا چـه کسـی یـاور مـن اسـت؟» حواریـون گفتند: «مـا یاور خدائیـم» در ایـن هنـگام گروهـی از بنـی اسـرائیل ایمـان آوردنـد و گروهـی کفـر پیشـه کردند.[1]

بـر اسـاس قـرآن نیـاز بـه اسـتدلال نیسـت که مـراد از یـاری خـدا، یـاری نمـودن ولـی خداسـت کـه برخـی این دعـوت را اجابـت و برخـی از آن روی برمیگرداننـد. در ماجـرای سیدالشـهدا علیه‌السلام نیـز برخـی دچـار کفـر شـدند و تنهـا تعـداد قلیلـی آن حضـرت را اجابـت کردنـد:

قال الحسین علیه‌السلام فی یوم عاشورا: هَلْ مِنْ ذَابٍّ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللهِ ص هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا هَلْ مِنْ مُغِيثٍ يَرْجُو اللَّهَ بِإِغَاثَتِنَا هَلْ مِنْ مُعِينٍ يَرْجُو مَا عِنْدَ اللهِ فِي إِعَانَتِنَا. فَارتَفَعَت أصوَاتُ النساءِ بِالعَوِيلِ؛ کیست که از حرم رسول خدا دفاع نماید؟ آیا یگانه‌پرستی هست که درباره ما از خدا بترسد؟ (هوای ما را پاس بدارد؟) آیا فریادرسی هست که با امید به خدا فریادرس ما باشد؟ آیا مددکاری هست که با امید به پاداش نصرت ما نزد خدا، به کمک ما بشتابد؟! در این هنگام صدای واولیتای زنان بلند شد.»[2]

۱. صف، آیات ۱۰ – ۱۴
۲. سید بن طاووس، اللهوف، ۱۳۴۸ش، ص۱۱۶.

قال علیه‌السلام: يَا وَيلَكُم! أَتَقتُلُونّي عَلى سُنّةٍ دَلَّتُهَا؟ أم عَلَى شَرِيعَةٍ غيّرتُها؟ أم على جُرمٍ فَعَلتُه؟ أم على حقٍّ تَرَكتُه؟ فقالوا له: إنّا نَقتُلُكَ بُغضاً لِأَبِيكَ؛ (خطاب به دشمنان در روز عاشورا) وای بر شما. از چه رو با من میجنگید؟ آیا تغییری در دین داده‌ام؟ آیا جُرمی مرتکب شده‌ام؟ آیا حقی را رها نموده‌ام؟ آنها یکصدا گفتند: جنگ ما با تو بخاطر کینه‌ای است که از پدرت بر سینه داریم.[1]

آری از میان آن خیل عظیم، تنها عده‌ی قلیلی اباعبدالله الحسین علیه‌السلام را یاری نمودند. همانها که صدقِ نیّت داشته و بر سر پیمان خود با خدا استوار ایستادند:

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلاً؛ در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند که از میان این دسته نیز، برخی پیمانشان را به سرانجام رسانده (شهید شدند) و برخی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.[2]

کلّ یومٍ عاشورا و کلّ أرضٍ کربلاء

«کعبه یک سنگ نشان است که ره گم نشود، حاجی احرام دگر بند، ببین یار کجاست» قداست

۱ . موسوعة الإمام الحسين علیه‌السلام، جلد: ۴، صفحه: ۳۳۹، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر انتشارات کمک آموزشی، تهران - ایران، ۱۳۷۸ ه.ش.

۲ . سوره احزاب، آیه ۲۳

کعبه و کربلا بجای خود اما یا اولی الالباب! کربلا نه یک قطعه زمین که یک رمز است و عاشورا نه قطعه‌ای از زمان و تاریخ که یک خبر از آمادگی کامل برای بندگی خداست. هر زمان که شیعه برای لقای الله به یاری ولی خدا شتافت و دفع باطل و دفاع از حق نمود، مکانش کربلا و زمانش عاشوراست؛ زیرا در کربلا و عاشورا نیز اجتماع همین حقایق بود:

باید در مقابل ظلم، در مقابل ستم، بایستند. این کلمه‌ی «کلّ یومٍ عاشورا و کلّ أرضٍ کربلاء» یك کلمه‌ی بزرگی است که اشتباهی میفهمند؛ آنها خیال میکنند که یعنی هر روز باید گریه کرد! لکن این محتوایش غیر از این است.[1] اینکه گفتند: «کُلُّ یَومٍ عَاشُورا و کُلُّ أرضٍ کَربَلا» به معنای این است که زمان میگذرد، اما حوادث جاری در زندگی بشر، حقایق آفرینش دست نخورده است. در هر دوره‌ای انسانها نقشی دارند که اگر آن نقش را بدرستی، در لحظه‌ی مناسب، در زمان خود ایفا کنند، همه چیز به سامان خواهد رسید، ملّتها رشد خواهند کرد، انسانیّت گسترده خواهد شد.[2] کربلا چه کرد؟ ارض کربلا در روز عاشورا چه نقشی را بازی کرد؟ همه‌ی زمینها باید آن‌طور باشند. نقش کربلا این بود که سیدالشّهدا علیه‌السلام با چند نفر جمعیت و عدد معدود، آمدند کربلا و ایستادند در

---

۱ . در جمع هیئت فاطمیون تهران، ۱۳۵۸/۰۷/۰۴

۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، آفتاب در مصاف، ۲۶ / ۰۱ / ۱۳۸۸ صفحه: ۶۵۲.

مقابل ظلـم یزید و در مقابل دولـت جبّار... همه‌جا باید این‌طـور باشـد؛ همـه روز هـم بایـد این‌طـور باشـد... قضیـه‌ی کربـلا منحصـر بـه یـك جمعیـت هفتـاد و چند نفری و یك زمین کربـلا نبوده؛ همه‌ی زمینهـا باید این نقشـه را اجرا کننـد، و همه‌ی روزها غفلـت نکننـد. ملّتهـا بایـد غفلـت نکننـد از اینکـه همیشـه بایـد مقابل ظلم باشـند.[۱]

اگر همینک حسین بن علی بود...

اگـر همینـک حسـین بـن علـی علیه‌السلام بـود چـه میکرد؟ اگر حسـین زمـان یعنی حجت بن الحسـن عجّل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اذن ظهـور می‌یافـت اولیـن اقدامـش چـه بـود؟ رفع فقر، دفع بلایای طبیعـی و بیماریها، نابود سـاختن دشـمنان و... همگـی نتایجی اسـت که در صـورت تحقـق آن اقـدام به ثمـر خواهند نشسـت.

پاسخ؛ به خود آمدن بشر است:

مَا لَكُمْ لاَ تَنَاصَرُونَ؛ شـما را چـه شـده کـه یاری هـم نمی‌کنید؟![۲]

مگـر نـه ایـن اسـت کـه ارسـال رُسـل جهـت رُشـد دادن فهـم آدمـی و رفعـت دادن روح او بـود. پیامبـران آمدند تـا اصطلاحا "**بجای ماهی به بشـر ماهیگیـری**" یـاد بدهند:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ مـا رسـولان خود را با

---

۱. خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، هندسه‌ی انقلاب، صفحه: ۳۰۹

۲ . صافات، آیه ۲۵

دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب(آسمانی) و میزان (شناسایی حقّ از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.[1]

آن کسی که تحت تعالیم الهی پیامبران و در سایه‌ی بلوغ عقلی و رُشد روحی باید اقامه قسط نماید، خودِ مردم هستند.

از جمله مصادیق اقامه‌ی قسط، مبارزه با ظالم و رهایی بخشیدن به مظلومان است. لذا قرآن آنرا به عنوان امری مسلّم از مسلمانان مطالبه می‌نماید:

وَ مَا لَكُمْ لاَ تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيّاً وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيراً؛ شما را چه شده است در راه خدا، و(در راه) مردان و زنان و کودکانی که(به دست ستمگران)تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد(ستمدیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر(مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده! و از جانب خود، یار و یاوری برای ما تعیین فرما.[2]

در عصر کنونی، این آیه کدامین زنان و مردان مستضعف و اطفال مظلوم را به ذهن تداعی میکند؟ قطعا مصداق بارز آنها فلسطینیان مظلوم

---

۱ . حدید، آیه ۲۵
۲ . نساء، آیه ۷۵

اما مقتدر هستند که جز خدا پناهی ندارند و جرمشان ایمان بخداست.

فصل دوم: اربعین و زیارت

حقیقت اربعین چیست؟

اگـر مقبـول افتـاد کـه عاشـورا بـرای دفـاع از مظلـوم بـود و تـا مظلومـی هسـت، کربلاهـا و عاشـوراها باقـی خواهنـد مانـد. اگـر «كُلُّ يَومٍ عَاشُورا وكُلُّ أرضٍ كَربَلا» را قبـول داریـم و اگـر اربعیـن را عاشـورایی دوبـاره میدانیـم؛ پـس بایـد ماجـرای اربعیـن را نیـز مقابلـه بـا طاغـوت و دفـاع از مظلوم دانسـت. بدانیـم و به همـگان بگوییم کـه ماجرای اربعیـن یـک روز مقابله بـا یزید بود و امـروز حقیقت اربعیـن عبارتسـت از مبـارزه بـا مسـتکبران عالـم خاصّه آمریـکای جنایتکار و اسـرائیل پلیـد در دفاع از مظلومـان غـزّه:

ماجـرای اربعیـن هـم یـك مقابلـه و مقاومـت مقابل رژیم اسـتکباری اسـت. یعنی حرکت خاندان امـام حسـین علیه‌السلام از هـر جا کـه بودنـد - از شـام یا از مدینـه - بـه کربـلا، بـرای زنـده کـردن حادثـه‌ی عاشـورا، حادثه‌ی مقاومت و حادثه‌ی شهادت بود؛ این حـوادث به هـم پیوند خورده اسـت. چیزی که مـا از معانـی بی‌شـمار این حـوادث میتوانیـم امروز برای پیشـرفت انقلابمان اسـتفاده کنیم، چند نکته اسـت. یـك نکتـه ایـن اسـت کـه مقاومـت در برابر قدرتهـای شـیطانی، زمـان و مـکان و قشـر معینـی از جامعـه و شـرایط گوناگـون اجتماعـی و جهانـی نمی‌شناسـد. ایـن همـان رازی اسـت که به سـبب عـدم توجّه بـه آن، خیلی‌ها در تاریخ گذشـته و هم در تاریـخ مـا دچـار سازشـکاری و محافظـه‌کاری و

عقب‌نشـینی در برابر قدرتها شـدند؛ چون این راز را نمي‌شـناختند. یعنی این احسـاس را نداشـتند که مقاومت و اصرار بر ارزشـهای پذیرفته شـده، شرایط مسـاعد و نامسـاعد نمی‌شناسد؛ همیشـگی است، همه‌جایـی اسـت و همه‌کسـی اسـت.[۱] ایـن چهـل روزی کـه از عاشـورا تـا اربعیـن اتّفاق افتـاده، یکی از مقاطع بسـیار مهمّ تاریخ اسـلام اسـت. روز عاشـورا در اوج اهمّیّت اسـت و این چهـل روزی هم که بین عاشـورا و اربعین هسـت، تالی‌تلو روز عاشـورا اسـت. اگـر روز عاشـورا اوج مجاهـدت همـراه با فـداکاری - فـدا کـردن جـان، فدا کـردن عزیـزان، فرزنـدان و یاران- اسـت، ایـن چهـل روز، اوج مجاهدت همراه بـا «تبییـن»، همراه بـا افشـاگری، همراه بـا توضیح [اسـت]. اگـر ایـن چهـل روز نمیبـود، اگـر حرکـت عظیم زینـب کبریٰ علیهاالسلام و جنـاب امّ‌کلثوم و حضرت سـجّاد علیه‌السلام نمیبـود، شـاید آن فقـره‌ی «لِیَستَنقِذَ عِبادَکَ مِنَ الجَهالَةِ وَ حَیرَةِ الضَّلالَة» اتّفـاق نمی‌افتاد. ایـن حرکت عظیـم، این صبر فوق‌العـاده‌ی خاندان پیغمبر به پیشـوایی زینب کبریٰ علیهاالسلام و امام سـجّاد علیه‌السلام بود که توانسـت حادثـه‌ی کربلا را مانـدگار کند و بـه معنـای واقعـی کلمه ایـن «تبییـن» مکمّل آن فـداکاری بود.[۲]

چیستیِ زیارت و شرط قبولی آن

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، آفتاب در مصاف، صفحه: ۱۳۵ - ۱۳۶۴/۰۸/۱۲.
۲. بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

زیـارت در لغـت به معنـای میل، قصـد و آهنگ چیـزی یـا کسـی را کـردن اسـت. در عـرف، زیـارتِ کسـی، عبـارت اسـت از آمدن نـزد او به قصـد تکریم و تعظیـم و انـس گرفتن بـا وی. بنابراین زیارت سـه رکن دارد:

الـف) زائـر، یعنی شـخصی کـه میـل و گرایش به فردی دارد.

ب) مـزور، یعنـی شـخصی کـه میـل و گرایـش بـه سـوی اوسـت و انسـان بـه محضـر او شـرفیاب می‌شـود.

ج) خـودِ گرایـش قلبی کـه با انس گرفتـن با مزور و تکریم او، همراه اسـت.

هر یک از این سـه رکن نباشـد، زیـارت، مفهومی نخواهـد داشـت. شـاه‌بیت ایـن غـزل نقطـه سـوم اسـت. حقیقت زیـارت و قبولی را آن گرایـش قلبی و میـزان انس بـا مـزور تعیین مینمایـد و آن نیـز تنها برای زائری فراهم میشـود که با گرایشـات قلبی مزور سـروکار داشـته باشـد و نسـبت بـه آنهـا بی‌تفاوت نبا شد.

شـخصی بـه نـام حمزة‌بن‌حمـران می‌گویـد: روزی امـام صـادق علیه‌السلام دربـاره زیارت امـام رضا علیه‌السلام فرمودنـد: «یکـی از نوه‌هـای مـن در شـهری به نام طوس، از توابع سـرزمین خراسـان کشـته می‌شـود، هرکـس کـه بـا معرفـت بـه حقّـش او را زیـارت کند، مـن بـا دسـت خـودم در روز قیامـت او را می‌گیـرم و بـه بهشـت داخلـش می‌سـازم، اگرچـه از اهـل

معاصی کبیره باشد.» به آن حضرت گفتم: فدایت شوم، شناخت و معرفت حق او چیست؟ ایشان فرمودند: «شناخت حق او این است که بداند او امامی واجب‌الاطاعه است و غریب و شهید است. هرکس با شناخت حقّش او را زیارت کند، خدای عزوجل اجر هفتاد شهید از شهدایی را که پیش روی رسول خداs در دفاع از او، از روی حقیقت به شهادت رسیده‌اند، به او عطا می‌کند.»[1]

قبولی زیارت معنایش این است که آن فیضی که از ملاقات این ولیّ خدا به ملاقات‌کننده می‌رسد، آن فیض به شما برسد؛ این معنای قبولی زیارت است. اگر بخواهید این فیض به شما برسد، شرط اول این است که با حضرت «ملاقات» کنید؛ یعنی رفتنِ حرم و آمدن، صِرف رفتن به یک مکان و بیرون‌آمدن نباشد؛ آنجا یک موجودی و یک روح والایی حضور دارد؛ به این حضور توجه بکنید؛ ولو حالا شما آن شخص زیارت‌شده را، یعنی آن کسی که می‌خواهید با او ملاقات کنید، به چشم نمی‌بینید، لیکن «به‌چشم‌دیدن» که لازمهٔ ملاقات نیست؛ او هست و سخن شما را می‌شنود، حضور شما را می‌بیند، شخص شما را می‌بیند. با او حرف بزنید؛ این شد زیارت. زیارت یعنی همین ملاقات. ما وقتی می‌آییم سراغ شما و خانهٔ شما، [در واقع] آمده‌ایم به زیارت شما؛ معنای زیارت این است. خب، انسان وقتی به

۱. من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۵۸۴.

ملاقات کسی می‌رود، با او احوالپرسی می‌کند، به او سلام می‌کند؛ همین در ملاقات روح مطهر ائمه علیهم‌السلام و اولیاء الهی [هم] لازم است؛ باید رفت، سلام کرد، عرض ادب کرد.[1] برادران عزیز! آنچه ما وظیفه داریم، این است که خود را شایسته‌ی انتساب به آن خاندان کنیم. البته منتسب بودن به خاندان رسالت و از جمله‌ی وابستگان آن‌ها و معروفین به ولایت آن‌ها بودن، دشوار است. در زیارت می‌خوانیم که ما معروفین به دوستی و محبت شما هستیم؛ این وظیفه‌ی مضاعفی را بر دوش ما می‌گذارد... ما باید خودمان را به این مرکز نور نزدیك کنیم؛ و نزدیك شدن به مرکز نور، لازمه و خاصیتش، نورانی شدن است. باید با عمل، و نه با محبت خالی، نورانی بشویم؛ عملی که همان محبت و همان ولایت و همان ایمان، آن را به ما املاء می‌کند و از ما می‌خواهد. با این عمل، باید جزو این خاندان و وابسته‌ی به این خاندان بشویم.[2]

عنصر معرفت در زیارت مقبول

فرق است میان آنکه میداند که چه گوهری در دست دارد با آن کسی که خبر ندارد که صاحب چه گوهری است. قدرشناسی، مغتنم دانستن، استخراج ظرفیتهای پیدا و پنهان گوهر و بهره از آن، صیانت از اتلاف یا کم بهره بردن، خسته

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از پاسداران سپاه حفاظت ولیّ امر و خانواده‌های آنان در مشهد مقدس، ۱۳۸۲/۰۱/۰۶.
۲. همان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۵.

نشـدن از دسـت آن، همگی نتیجه معرفت به ارزش گوهـر موجود در دسـتان اسـت. هرچه ایـن معرفت عمیق‌تـر شـود، بهرمنـدی از منافـع و نتایـج آن گوهـری نیـز افزون‌تر شـود. زیارت سیدالشـهدا علیه‌السلام و اربعیـن آن حضـرت همـان گوهری اسـت:

شـنیده‌اید زیـارت بـا معرفـت قیمـت دارد و زیـارت بی‌معرفـت نـه. مقصـود چیسـت؟ آن کسـی کـه حسـین‌بن‌علی علیه‌السلام را زیـارت میکنـد و مي‌فهمـد چه میکنـد؛ چه کسـی را زیـارت میکند و مي‌فهمـد کـه اعـلام حمایـت از حسـین علیه‌السلام ، اعلام بیـزاری از کیسـت؛ مي‌فهمد به سـوی حسـین علیه‌السلام رفتـن، پشـت کـردن بـه کیسـت و مي‌فهمـد در کنـار حسـین علیه‌السلام قـرار گرفتن، چـه تکلیفـی را روی دوش انسـان میگـذارد؛ زیارتـش، زیـارت بـا معرفت اسـت. خیلی‌هـا نمیدانسـتند حسـین علیه‌السلام یعنـی چـه؟ شـهادت و جهـاد و راه اباعبـدالله علیه‌السلام را نمی‌فهمیدنـد. از کربـلا عبور کرده بودنـد؛ میگفتند چیـزی هـم در اینجـا بخوانیـم یـا تماشـایی هـم بکنیـم. آن هـم زیـارت بـود، امـا زیـارت کـم‌ارزش؛ چـون بدون معرفـت انجام میگرفـت و از دلی آگاه و عارف برنمی‌خاسـت. کسـانی که در جنگهای تاریخ بي‌اینکـه بداننـد چـه میکننـد و بـرای چـه میروند و بـرای چـه مي‌جنگنـد، جنـگ از اوّل تـا آخـرش برای آنها خسـران اسـت؛ مثـل همیـن بیچاره‌های غافلـی کـه در مقابـل نیروهـای اسـلام قـرار گرفتند و مي‌جنگنـد؛ چـه بکشـند و چـه کشـته بشـوند.

اما کسـانی کـه میداننـد چـه میکنند و چـه حرکت عظیمـی را انجـام میدهنـد، خسـته نمیشـوند.[1]

زیـارت بـا معرفـت اضلاعـی دارد کـه با زائـر لازم اسـت آنهـا را بـرای خـود تجمیـع نماید:

قال الصادق عليه‌السلام: يُقْتَلُ حَفَدَتِي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ فِي مَدِينَةٍ يُقَالُ لَهَا طُوسُ مَنْ زَارَهُ إِلَيْهَا عَارِفاً بِحَقِّهِ أَخَذْتُهُ بِيَدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ وَ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكَبَائِرِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا عِرْفَانُ حَقِّهِ قَالَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ غَرِيبٌ شَهِيدٌ مَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ سَبْعِينَ شَهِيداً مِمَّنِ اسْتُشْهِدَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللهِ صلى‌الله‌عليه‌وآله عَلَى حَقِيقَة؛ نوه‌ي مرا در سرزمين خراسان در شهري به نام طوس مي‌كشند؛ كسي كه او را “عارفاً بحقه“ زيارت كند، من روز قيامت از او دستگيري مي‌كنم و وارد بهشتش مي‌سازم، هر چند كه مرتكب گناهان كبيره شده باشد. راوي گفت: فدايت شوم، "معرفت به حق ايشان" چيست؟ فرمود: اين كه بداني او (امامي است كه) پیروی از او واجب است. او غريب است و او شهيد است؛ كسي كه با شناخت حقش، او را زيارت كند، خداي صاحب عزت و جلال پاداش هفتاد شهيد از شهداي راستين در ركاب رسول خدا صلى‌الله‌عليه‌وآله را به او عطا مي‌فرمايد.[2]

---

۱ . خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، آفتاب در مصاف، صفحه: ۹۹ – ۱۴/ ۱۰/ ۱۳۶۳

۲ . امالی صدوق ۱۲۱ م۲۵ ح۸

البته واضح است که در این بین، میان اباعبدالله و امام رضا و سایر معصومان علیهم‌السلام تفاوتی وجود ندارد:

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى علیه‌السلام أَدْنَى مَا يُثَابُ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام بِشَطِّ الْفُرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ وَ وَلَايَتَهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ؛ امام موسی بن جعفر علیه‌السلام فرمودند: آنگاه که زائر، حق و حرمت و ولایت اباعبدالله علیه‌السلام را بشناسد، کمترین ثوابی که به او داده میشود بخشایش گناهان گذشته و آینده‌ی اوست.[1]

حقیقت زیارت؛ آنچه که در زیارت باید بدنبالش بود

احیای حق خدا، حق رسول خدا و حق امام

دل مشتاق زائر بداند که نسبت به این زیارت، از سوی خدای متعال و همچنین پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علیه‌السلام نیز کِشش و مطالبه‌ای وجود دارد و در واقع ایشان این زیارت را حق خود می‌دانند! یعنی حق خدا و رسول و امام چنین اقتضا دارد که بنده‌ی مؤمن به زیارت امام حسین علیه‌السلام برود. پس اگر در این زمینه مؤمنی که بدون دلیل اهمال نماید، همانا در ادای چنین حقی کوتاهی نموده و از چشم خدا خواهد افتاد:

۱. الکافی، ج۴ ص۵۸۲

قال صادق عليه‌السلام : لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ حَجَّ دَهْرَهُ ثُمَّ لَمْ يَزُرِ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه‌السلام لَكَانَ تَارِكاً حَقّاً مِنْ حُقُوقِ اللَّهِ وَ حُقُوقِ رَسُولِ اللَّهِ s لِأَنَّ حَقَّ الْحُسَيْنِ عليه‌السلام فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ هر کدام از شما اگر تمام عمرش را به حج برود اما به زیارت حسین‌بن‌علی عليه‌السلام نرود، مطمئناً حقی از حقوق خدا و نیز حقوق رسول خداs را ترک کرده است؛ زیرا حق حسین عليه‌السلام تکلیفی است که از جانب خداوند بر هر مسلمانی واجب شده است.»[1]

آری این حق خداست و مطالبه‌ی اوست که به زیارت سیدالشهدا عليه‌السلام مُشرف شوی و نیز حق پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مطابه‌ی امام حسین عليه‌السلام است. و چه افتخاری بالاتر از این؟

تقرب یافتن به خدا و اتصال به پیامبر و امام

شرط عبادت بودن هر عمل نیکی، انجام آن بصورت ”قربةً اِلَیَ اللّهِ“ است. یگانه مجرای تقرّب بخدا پیامبر و اهل بیت ایشان عليهم‌السلام هستند؛ زیرا ایشان ابواب الهی هستند:

قال امیرالمومنین عليه‌السلام: نَحْنُ بَابُ اللَّهِ وَ بُيُوتُهُ الَّتِي تُؤْتَى مِنْه؛ ما درهای خداوند و خانه‌هایی هستیم که [برای تقرّب بخدا] از ما وارد می‌شوند.[2]

---

۱. کامل الزیارات، ص۱۲۲.
۲. احتجاج طبرسی، ج۱، ص۲۲۷.

تکریـم و تعظیـم حضـرات معصومـان علیهم‌السلام که از جملـه مصادیق آن، زیارت بامعرفتشـان اسـت، مزد رسـالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است:

قُل لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى؛ ای پیامبر، به مردم بگو: به‌ازای رسالتم از شما پاداشی نمی‌خواهم، مگر محبت و هواخواهی و حمایت از اهل‌بیتم.[1]

پیامبـر اکـرم صلی‌الله‌علیه‌وآله زیارت اهـل بیـت علیهم‌السلام را نیکی و صله‌ی رحم به خوشـان محسـوب نمـوده و برای زائـر بهترین‌هـا را در روز قیامـت آرزو نموده اسـت:

طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُرِيدُونَ بِزِيَارَتِكُمْ بِرِّي وَ صِلَتِي فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جِئْتُهُمْ إِلَى الْمَوْقِفِ حَتَّى آخُذَ بِأَعْضَادِهِمْ فَأُخَلِّصَهُمْ مِنْ أَهْوَالِهِ وَ شَدَائِدِهِ؛ خواهد آمد آن روزی که گروهی از امت من، بقصد نیکی به من و اتصال با من (صله‌ی رحم) شما (اهل بیت علیهم‌السلام) را زیارت نمایند. پس من در بزنگاه‌های روز قیامت بسراغشان رفته و دستشان را خواهم رفت و آن‌ها را از وحشت‌ها و گرفتاری‌های آن روز رها خواهم ساخت.[2]

آری؛ زائـر کربـلا و اربعیـن در زیارت سیدالشـهدا بدنبـال تقرّب و رفعت مقـام نزد خـدا، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و سایر حضرات معصومین و حتی خود اباعبدالله علیه‌السلام

۱. شوری، ۲۳.
۲. کامل الزیارات، ص۵۸؛ الارشاد، ج۲، ص۱۳۱ (با اندکی اختلاف در نسخه).

است و چـه بجاسـت که بـا تمـام وجـود و از عمق جـان بدنبال چنیـن قصد در زیارت باشـد:

فی زیارته علیه‌السلام: أَنَا يَا سَيِّدِي مُتَقَرِّبٌ إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ إِلَى جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ وَ إِلَى أَبِيكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى أَخِيكَ الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ يَا مَوْلَايَ عَلَيْكَ سَلَامُ اللَّهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ بِزِيَارَتِي لَكَ بِقَلْبِي وَ لِسَانِي وَ جَمِيعِ جَوَارِحِي فَكُنْ يَا سَيِّدِي شَفِيعِي لِقَبُولِ ذَلِكَ مِنِّي؛ سرورم، من با قلب و زبان و اعضای بدنم (با تمام وجود) تو را زیارت می‌کنم و به این وسیله، به خدای متعال، به جدّت رسول‌الله، به پدرت امیرالمؤمنین، به برادرت امام‌حسن و نیز به خودِ تو تقرّب می‌جویم.[1]

تجدید بیعت با امام

بـرای همـه‌ی ما مـرده و زنـده‌ی افـراد متفاوت اسـت. اما در مورد شـهید مگر میتـوان تفاوت قائل شد :

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ؛ آنان که در راه خدا شهید شده‌اند، گمان مبرید که مرده‌اند، بلکه زنده هستند.[2]

حـال اگر آن شـهید، امام معصوم باشـد چه؟ در سـطور پیش نیز گذشـت که یکی از اضـلاع زیارت با معرفتِ یک امام، شـهید دانستن اوسـت. پس امام شـهید همچون امام حی است:

۱. زاد المعاد؛ مفاتیح الجنان، ص۲۹۴.
۲ . آل عمران، ۱۶۹

فی زیارته علیه‌السلام: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ أَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّكَ تُرْزَق؛ یا اباعبدالله؛ گواهی میدهم که تو شاهد جایگاهم هستی و کلامم را مشنوی و تو حقیقتاً نزد پروردگارت زنده‌ای و روزی داده میشوی.[1]

پس تفاوت امام حی و امام شهید در چیست؟ در نوبت ماموریت است! دیروز امام حسین علیه‌السلام و امروز امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف والا در امام بودن، قدرت معنوی داشتن، لزوم معتقد بودن به امامتشان و وجوب اطاعت و البته بیعت نمودن با راه و مرامشان چه تفاوتی میانشان است؟ لذا با یک امام شهید نیز همانند یک امام حی باید بیعت نمود. بنابراین اولا تجدید بیعت با هر امام ولو شهید لازم است. ثانیا زیارت، تجدید بیعت و پیمان با امام است:

قال الباقر علیه‌السلام: إِنَّ زِيَارَتَنَا إِنَّمَا هِيَ تَجْدِيدُ الْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ الْمَأْخُوذِ فِي رِقَابِ الْعِبَاد؛ مطمئناً زیارت ما همان تجدید عهد و پیمانی است که [از جانب خداوند] برعهده‌ی بندگان نهاده شده است.[2]

ثالثا زیارت رفتن، سنگ پایان شیعه بودن و تکمیل وفاداری است:

قال صادق علیه‌السلام: إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْداً فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ

۱. مستدرك الوسائل، ج۱۰، ص۳۴۵.
۲. مستدرك الوسائل، ج۱۰، ص۲۲۳.

تَصۡدِيقاً لِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أَئِمَّتُهُمۡ شُفَعَاءَهُمۡ يَوۡمَ الۡقِيَامَةِ؛ هر امامی بر گردن دوستان و شیعیان خودش عهد و پیمانی [حقی] دارد. به‌درستی که وفا به آن پیمان، با زیارت قبور ایشان تکمیل شده و حقشان به‌خوبی ادا می‌شود. پس اگر کسی ازروی میل و رغبت و در حالی که خواسته‌های ایشان را تصدیق می‌کند به زیارتشان برود، در روز قیامت مشمول شفاعت ایشان قرار خواهد گرفت.[1]

از همین روست که در کربلا و زیارت اربعین، در انتهای زیارتت خطاب به اباعبدالله علیه‌السلام میگویی:

السَّلَامُ عَلَيۡك يَا أَبَا عَبۡدِ اللَّهِ... أُجَدِّدُ مَا أَخَذَ اللَّهُ لَكُمۡ فِي رَقَبَتِي مِنَ الۡعَهۡدِ وَ الۡمِيثَاقِ وَ الۡوَلَايَةِ لَكُمۡ؛ و اراده‌ام تجدید عهد و پیمان و ادای ولایتی است که خداوند برای شما برعهده‌ی من نهاده[2] اكۡتُبۡ لِي عِنۡدَكَ مِيثَاقاً وَ عَهۡداً أَنِّي أَتَيۡتُكَ أُجَدِّدُ الۡمِيثَاقَ؛ سلام بر تو یا اباعبدالله... (گواه من باش) و نزد خودت برای من عهد و میثاقی بنویس که همانا من به زیارتت آمدم تا تجدید عهد و پیمان نمایم.[3]

پس باید قصدمان از زیارت، تجدید بیعت با شد.

---

۱. كامل الزيارات، ص۱۲۲.
۲. همان؛ بحار الأنوار، ط بيروت، ج۹۹، ص۱۹۸.
۳. الكافي، ط الاسلاميه، ج۴، ص۵۷۷.

اعلام بر آمادگی همه جانبه برای نصرت امام

اگـر در زیارت، حیات امـام، و نیز تجدید بیعتش و تـازه کردن عهد و پیمان بـا او را پذیرفتیم، پذیرش این واقعیت نیز باید آسـان باشـد؛ که نصرت و یاری او بـر مـا لازم اسـت. پیگیـری اهداف و پیاده‌سـازی برنامه‌هایـی کـه آن امـام نصـرت وی محسـوب میشـود. یاری شـدنِ امامِ حـی، در راسـتای نصرت بـه امـام شـهید اسـت. بنابراین زیـارت بایـد بقصد یـاری همه جانبـه به امام باشـد:

فی زیارته عليه‌السلام: أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ: شهادت می‌دهم بر ایمان خود به شما و به‌سبب احکام دینم و پایان اعمالم، به رجعت و بازگشت شما یقین دارم. قلب من تسلیم قلب شماست و عملم تابع امر شماست و آماده‌ی نصرت و یاری شما هستم، تا آن زمان که خدا به شما اذن [قیام] دهد.[1] مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ؛ منتظر امر شما هستم. گردن کشیده و منتظر برپایی دولت شما هستم. تکیه بر سخن شما دارم و عامل به امر شما هستم. من به شما پناه آورده‌ام. زائر شما هستم.»[2]

۱. زیارت اربعین. مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی.
۲. من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۶۱۴.

وقتـی امامـی چـون صـادقِ آل محمـد علیه‌السلام در زیـارت اباعبـدالله علیه‌السلام این اعلام آمادگـیِ همه‌جانبه را خدمـت سیدالشـهدا معـروض میدارنـد، تکلیـف من و شـما بـه عنـوان زائر کاملا مشـخص و روشـن است :

إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتِغَاثَتِكَ وَ لِسَانِي عِنْدَ اسْتِنْصَارِكَ- فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ رَأْيِي وَ هَوَايَ عَلَى التَّسْلِيمِ لِخَلَفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ وَ السِّبْطِ الْمُنْتَجَبِ وَ الدَّلِيلِ الْعَالِمِ وَ الْأَمِينِ الْمُسْتَخْزَنِ وَ الْمُؤَدِّي الْمُبَلِّغِ وَ الْمَظْلُومِ الْمُضْطَهَدِ جِئْتُكَ يَا مَوْلَايَ انْقِطَاعاً إِلَيْكَ- وَ إِلَى جَدِّكَ وَ أَبِيكَ وَ وُلْدِكَ الْخَلَفِ مِنْ بَعْدِكَ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَ رَأْيِي لَكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بِدِينِهِ وَ يَبْعَثَكُمْ- وَ أُشْهِدُ اللَّهَ أَنَّكُمُ الْحُجَّةُ وَ بِكُمْ تُرْجَى الرَّحْمَةُ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ- إِنِّي بِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَا أُنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَ لَا أُكَذِّبُ مِنْهُ بِمَشِيَّةٍ؛ [یا اباعبدالله] اگر نتوانستم بهنگام استغاثه‌ات تو را با بدنم اجابت نمایم و بهنگام یاری طلب نمودنت نتوانستم تو را با زبانم نصرت دهم [اما حالا و در این زمان] با قلبم، با شنیدنم، با دیدنم، با نظرم و با خواسته‌ام تو را اجابت می‌نمایم بگونه‌ای که فرمان‌بردار و تسلیم جانشین نبی مرسل و فرزند پیامبر برگزیده باشم. همو که راهنمای آگاه، امین نگاهدار، اداکننده رساننده و مظلوم مقهور می‌باشد [یعنی تو]. مولای من! نزدت شرفیاب شدم در

حالیکه از دیگران به سوی تو و نیز به سوی جد، پدر، برادر و جانشینان از فرزندانت بریده حالم. پس قلبم تسلیم شماست و نظرم تابع شماست و خویشتن را آماده یاری شما نموده‌ام تا بدانجا که خداوند بواسطه‌ی دینش حکومت نماید و شما را برانگیزاند.[1]

خشمگین ساختن دشمن

در نـزاع حـق و باطـل همـواره چنیـن بـوده و هسـت کـه رضـای طرفـی، خشـم طـرف مقابـل را همراه داشـته اسـت. بدهیست که خشـنودی خدا و آل الله هیچـگاه مـورد رضایـت دشـمنان نبـوده و ناخُرسـندی خداونـد همـواره مـورد خواسـت دشـمنان بـوده اسـت. مگر نـه این اسـت کـه باید زیـارت "قربتـاً الـی الله" و بـرای کسـب رضـای خدا، پیامبر ص و اهلبیت باشـد؟ خب طبیعتا عصبانیت و دشـمنی مخالفیـن را نیـز بدنبـال دارد. بر همین اسـاس، در میـان اغراضـی مختلفی در زیـارت قصد میشـود، عصبانـی کـردن دشـمن و زیـارت بقصد مخالفـت بـا آنهـا لازم اسـت؛ زیـرا دینـداری چیزی غیـر از همیـن حُب و بغض نیسـت[2] و هر مسـلمانی مـن جملـه زائـر حسـینی، دینـش بـه این وسـیله کامل میشـود:

قال الصادق علیه‌السلام: مَن أحَبَّ لِلّه و أبغَضَ لِلّه و أعطی لِلّه فَهُوَ مِمَّن کَمُلَ إیمانُهُ؛ هرکه دوستیش برای

۱. (کامل الزیارات، النص ۲۳۰)

۲. قال الباقر علیه‌السلام: هَلِ الدِّینُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْض؟ بحار الأنوار، ج۶۵، ص۶۳.

خدا و دشمنیش برای خدا باشد... پس او از جمله کسانیست که ایمانشان کامل شده است.[1]

نکته قابل توجه این است که حُب و بُغض در راه خدا نتیجه نیست و البته امری نیز صرفاً احساساتی نیست. بلکه بخودی خود یک فعل است که مانند هر فعلی نیازمند انگیزه و قصد می‌باشد. لذا نمیتوان گفت که ما کار خودمان را انجام میدهیم و شاد کردن پیامبر و اهلبیت و نیز عصبانی شدن دشمن بخودی خود فراهم خواهد شد. بلکه لازم است زائر از روی اراده و نیّت، ماهیت زیارت را به عملی در موافقت با خدا و مخالفت با دشمن تکامل بخشد:

قال الصّادق علیه‌السلام: اللّهم... اِغْفِرْ لِی وَ لِإِخْوَانِی وَ زُوَّارِ قَبْرِ أَبِی عَبْدِ اَللَّهِ اَلْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ اَلَّذِینَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَ أَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِی بِرِّنَا وَ رَجَاءً لِمَا عِنْدَکَ فِی صِلَتِنَا وَ سُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ ص وَ إِجَابَةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا وَ غَیْظاً أَدْخَلُوهُ عَلَی عَدُوِّنَا أَرَادُوا بِذَلِکَ رِضْوَانَکَ؛ خداوندا... من و برادرانم و زائران قبر اباعبدالله الحسین بن علی را بیامرز؛ آنانکه ازروی اشتیاق و در راه نیکی به ما و به‌امید پاداش‌هایی که در دوستی و پیوند با ما نزد توست و برای شادکردن پیامبر تو محمد ص و به‌علت پذیرش فرمان ما و نیز بخاطر خشمگین‌ساختن دشمنان ما، دارایی خویش را انفاق می‌کنند و بدن‌هایشان را به زحمت

۱. الکافی، ج۲ ص ۱۲۴ ح۱

می‌اندازند [و به‌سوی ما رهسپار شده‌اند] و از تمام این‌ها خشنودی تو را می‌جویند.[1]

البتــه راضــی کردن خــدا و خشــمگین ســاختن دشــمن تنهــا منحصــر بــه موضــوع زیــارت نیســت. بلکــه نوعی از حیات و ســبکی از زندگیســت که تمام شــؤون زندگانــی فرد را شــامل میشــود:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ... لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ... ؛ محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفّار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است، همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و بقدری نموّ و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی‌دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد. کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.[2]

آری ثمــره‌ی درخــتِ اســلام و مکتــب حســینی، یــک جــوانِ مؤمــنِ انقلابــی اســت بــا هــر عملــش،

---

۱. بحار الأنوار، ج۹۸، ص۸.
۲ . فتح، آیه ۲۹

خشـم دشـمن شـعله‌ور میشـود؛ زیـرا او خواهـان نابـودی اسـلام اسـت:

«لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفّار»[1] دشـمن مسـتکبر وقتـی بـه ایـن انسـان مسـلمانِ تربیت‌شـده‌ی بالیـده‌ی در دامـان اسـلام نـگاه می‌کنـد، معلـوم اسـت کـه بـه خشـم می‌آیـد و ناراحـت می‌شـود. مـا بایـد این‌جـوری عمـل کنیـم. خـود را بسـازیم. خـود را بـا قـرآن تطبیـق دهیـم.[2] رشـد عناصر مؤمـن، این نهالهـای برومنـد، ایـن جوانهای مؤمـن، اصلاً برای ایـن اسـت کـه «لِيَغيظَ بِهِمُ الكُفّار»، تـا دشـمن عصبانـی بشـود؛ از همین هـم بیشـتر عصبانی‌اند. عصبانی‌انـد از جوانهـای عرصه‌ی علـم، از جوانهای عرصـه‌ی جهـاد، از جوانهـای عرصـه‌ی خدمـت، از جوانهای عرصه‌ی نظامـی؛ از اینها عصبانی‌اند.[3] اگر مـا دیدیـم رفتار ما جوری اسـت که دشـمنان دین، دشـمنان اسـلام، دشـمنان حاکمیت قرآن نسـبت بـه مـا خشـمگین نیسـتند و از وجـود مـا ناراحـت نیسـتند، بایـد در مفیدبودن خودمان شـک کنیم. اگـر امیرالمؤمنین اسـت و آن قاطعیـت و آن حرکت وماننـد این‌هـا، بایـد [هم] کسـانی مثـل معاویه یا عمروعـاص یا دیگران از او خشـمگین باشـند؛ شـما هـم همیـن راه را داریـد حرکـت می‌کنیـد؛ «لِيَغيـظَ بِهِـمُ الكُفّار».[4]

۱. فتح، آیه ۲۹

۲. (۱۳۸۹/۱۲/۰۲) بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در روز میلاد پیامبر اعظم (ص)

۳. (۱۳۹۸/۱۰/۱۸) بیانات در دیدار مردم قم

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار طلاب حوزه‌های علمیهٔ استان

اگـر زائر حسـینی اهدافـی که پیـش از این گفته شـد را در زیـارت خـود لحـاظ نمایـد، یعنـی بـرای احیـای حـق خـدا و پیامبـرش و تقـرّب یافتـن بـه ایشـان و بجهـت بیعـت با امـام بـر سـر آرمانهایش کـه احقـاق حـق و دفـاع از مظلـوم از جملـه‌ی آنها بـود و نیـز اعـلام آمادگـی برای نصـرت امـام در این راه قـدم در مسـیر زیـارت بگـذارد، البته که دشـمن خشـمگین خواهـد شـد. دشـمنیماننـد آمریـکا و اسـرائیلِ کودک‌کُش باید هـم از این زائر خشـمگی بـوده و از او بترسـند. آنهـا از امـام تـو نفـرت دارند؛ زیـرا امام تو مکتبی دارد انسـان سـاز کـه نتیجه‌اش تربیت عـده‌ای قلیل تحـت عنوان حمـاس و جهاد اسـلامی و همچنیـن مـردم مقـاوم غزّه هسـتند که در راه خـدا کُشـته میشـوند اما در برابر طاغوت سـر تعظیم و تسـلیم فرود نمی‌آورنـد! همانند اباعبدالله الحسـین علیه‌السلام.

تهران، ۱۳۹۶/۰۶/۰۶.

فصل سوم: تکلیف‌زا بودن اربعین برای زائر

امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌فرمایند:

«عَلاماتُ المؤمنِ خَمس: صَلَواتُ إحدي و خَمسينَ و زيارةُ الأربعينَ و التَّخَتُّم بِاليَمينِ و تَعفيرُ الجَبينِ و الجَهْرُ بِبسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحيم؛ مومن پنج علامت دارد: پنجاه‌ویک رکعت نماز [در شبانه‌روز]، زیارت اربعین، انگشتر در دست راست کردن، پیشانی بر خاک گذاشتن و «بسم الله الرحمن الرحیم» را بلند گفتن.[1]

جهاد تبیین؛ یک فریضه قطعی و فوری

«جهاد تبیین» یک فریضه‌ی قطعی و یک فریضه‌ی فوری است و هر کسی که میتواند[باید اقدام کند].[2] دشمن در رأس نقشه‌هایش تبلیغات است؛ به قول خودشان پروپاگاندا است. علاجِ پروپاگاندا «تبیین» است، تبیین حقیقت از زبانهای مختلف، از حنجره‌های مختلف، با تعبیرات مختلف، با ابتکارات مختلف؛ تبیین. وسوسه‌ای را که روی آن جوان یا نوجوان اثر میگذارد، چه میتواند برطرف کند؟ باتوم که نمیتواند برطرف کند،؛ آن وسوسه را تبیین میتواند برطرف کند. جهاد تبیین را جدّی باید گرفت. همه، در حوزه، در دانشگاه، در صداوسیما بالخصوص، در مطبوعات، در هر جایی که شما

۱. إقبال الأعمال، ج ۳، ص ۱۰۰.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

ایستاده‌اید و یک شعاع پیرامونی‌ای دارید و میتوانید روی آن اثر بگذارید، باید تبیین انجام بگیرد؛ تبیین درست، تبیین صحیح.[1]

جوانهای ما امروز بحمدالله مجهّزند؛ مجهّز به فکر، مجهّز به عقلانیّت، مجهّز به آگاهی‌های فراوان، و میتوانند در این زمینه‌ها خیلی تلاش کنند. خودتان را آماده کنید، این تجهیزات را در خودتان افزایش بدهید و به معنای واقعی کلمه خودتان را مجهّز کنید و در این میدان وارد بشوید: در میدان تبیین و افشاگری، یعنی راهی که زینب کبریٰ علیهاالسلام در این چهل روز انجام داد. عظمت این چهل روز به خاطر کاری است که این بزرگوار و حضرت سجّاد علیه‌السلام و بقیّه‌ای که اطراف اینها [بودند] انجام دادند و سختی‌ها را تحمّل کردند، و [اگر بخواهیم] با زبان روضه‌خوانی حرف بزنیم، در واقع در روز اربعین، زینب کبریٰ آمد گزارش کار به امام حسین علیه‌السلام داد که این کارها را کردیم، این جور رفتیم، این جور تحمّل کردیم و این جور بیان کردیم و تبیین کردیم.[2]

زنده نگاه‌داشتن نام و مرام حسین

کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود...[3]

---

۱. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

۲. بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی ۱۴۰۰/۰۷/۰۵

۳. «سرِّ نی در نینوا می‌ماند اگر زینب نبود/کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود» شعر از قادر طهماسبی

اهمیت اربعین از کجاست؟ صرف اینکه چهل روز از شهادت شهید می‌گذرد چه خصوصیتی دارد؟ اربعین خصوصیتش به‌خاطر این است که در اربعین حسینی یاد شهادت حسین زنده شد و این چیز بسیار مهمی است. شما فرض کنید اگر این شهادت عظیم در تاریخ اتفاق می‌افتاد، یعنی حسین‌بن‌علی و بقیهٔ شهیدان در کربلا شهید می‌شدند، اما بنی‌امیه موفق می‌شدند همان‌طور که خود حسین را و یاران عزیزش را از صحنهٔ روزگار برافکندند و جسم پاکشان را در زیر خاك پنهان کردند، یاد آن‌ها را هم از خاطرهٔ نسل بشر در آن روز و روزهای بعد محو کنند، ببینید در این صورت آیا این شهادت فایده‌ای برای عالم اسلام داشت؟... آیا این خاطره چه اثری و چه نقشی می‌توانست در رشد و سازندگی و هدایت و برانگیزانندگی ملت‌ها و اجتماعات و تاریخ بگذارد؟ می‌بینید، هیچ اثری نداشت. بله، حسین که شهید می‌شد خود او به اعلی‌علیین رضوان خدا می‌رسید؛ شهیدانی که کسی نفهمید و در غربت، در سکوت، در خاموشی شهید شدند، به اجر خودشان در آخرت رسیدند؛ روح آن‌ها فتوح و گشایش را در درگاه رحمت الهی به دست آورد؛ اما آیا چقدر درس شدند؟ چقدر اسوه شدند؟ درس، آن شهیدی می‌شود که شهادت او و مظلومیت او را نسل‌های معاصر و آیندهٔ او بدانند و بشنوند. درس و اسوه آن شهیدی می‌شود که خون او

بجوشد و در تاریخ سرازیر بشود... شهادت بدون خاطره، بدون یاد، بدون جوشش خون شهید، اثر خودش را نمی‌بخشد و اربعین آن روزی است که برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلا در آن روز آغاز شد و روز بازماندگان شهداست.[1]

اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر علیهم‌السلام یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون از قبیل شهادت حسین‌بن‌علی علیه‌السلام در عاشورا، به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسل‌های بعد، از دستاورد شهادت استفادهٔ زیادی نخواهند برد... ما هستیم که با تصمیم درست و بجا، می‌توانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفهٔ شهادت را احیا کنیم و زنده نگه داریم... درسی که اربعین به ما می‌دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطرهٔ شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگه داشت.[2]

موضع روشن در برابر دشمن داشتن

در زیارت مخصوصه‌ی روز اربعین می‌خوانیم:

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ؛ کسی که با شماست، پس با شماست و نه با دشمن شما.[3]

۱. بیانات در جمع برادران ارتش و سپاه، ۲۰آبان۱۳۶۳.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با قشرهای مختلف مردم، ۱۳۶۸/۰۶/۲۹.
۳. زیارت اربعین؛ تهذیب الأحکام، تحقیق خرسان، ج۶، ص۱۱۴.

در سایر زیارات نیز چنین معترف میشویم که:

أُشْهِدُ اللَّهَ وَ أُشْهِدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَ بِمَا أَتَيْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَ بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ وَ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ... فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ... بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ مِنَ الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ حِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ... وَ مِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُمْ وَ كُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَ مِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ؛ خدا و شما را گواه می‌گیرم که من به شما و آنچه شما به آن ایمان دارید ایمان دارم. دشمنِ دشمنانتان و منکر آنچه شما منکر آنید هستم، به جایگاه شما و به گمراهی مخالفانتان بصیرم، دوست شما و دوستانتانم، نسبت به دشمنان شما غضبناکم و دشمنشان هستم. کسی که با شما در سلم و صلح است من هم با او چنین هستم و سر جنگ دارم با کسی که با شما سر جنگ دارد. هرچه را شما حق بدانید حق می‌دانم و هرچه را شما باطل بشناسید باطل می‌شناسم... پس [وقتی] با شمایم، با شمایم، نه با دشمن شما. به شما ایمان آوردم... بیزار و متنفرم از دشمنانتان و از جبت و طاغوت و از شیاطین و حزبشان که دربارۀ شما ستم کردند... و همچنین بیزارم از هر معتمدی غیر شما و از هر فرمانروایی به‌جز شما

و نیز از پیشوایان و سرسلسله‌هایی که به دوزخ دعوت می‌کنند.»[1]

این اقرارها تکیه بر تکلیفی دارد که سیدالشهدا علیه‌السلام برای همگان و من جمله زوار اربعین مشخص نمودند:

مِثْلِی لَا یبَایعُ مِثْلَه؛ همچو منی با همچو یزیدی بیعت (مشایعت و همراهی) نمی‌کند![2]

بنابراین زائر حقیقی اباعبدالله علیه‌السلام اولا باید دشمن زمانش را بشناسد و در وهله دوم، موضعی روشن و خصمانه علیه او داشته باشد:

ما داعیه‌ی محو نظام سلطه را داریم؛ یعنی رابطه‌ی سلطه‌گری: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر.[3] ما با دشمنان، با استکبار سرِ آشتی نداریم و با برادران مسلمان بنای بر دشمنی و عداوت نداریم؛ بنای بر دوستی و رفاقت و برادری داریم؛ چون معتقدیم باید «أشِدّاءُ عَلَی الکُفّارِ و رُحَماءُ بَینَهُم»[4] بود؛ این درس امام بزرگوار ما است؛ این خط مسلّم جمهوری اسلامی است... مسئله، مسئله‌ی اصول اسلام است: «کونوا لِلظّالِمِ خَصمًا وَ لِلمَظلُومِ عَونًا.»[5] این دستور اسلام است. این راه ما است؛ این خطّ ما است».[6]

---

۱. عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج۲، ص۲۷۵تا۲۷۶.
۲. بحار الأنوار، ج۴۴، ص۳۲۵.
۳ (۰۲/ ۰۴/ ۱۳۸۹) بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیئت علمی دانشگاه‌ها
۴ . فتح، آیه ۲۹
۵ . «دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید.»، نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۷
۶. امام خامنه ای ۲۶/ ۰۵/ ۱۳۹۴

معیّت با ولی خدا و ثبات قدم در آن

از جمله التماس‌های پُرتکرار زوّار اباعبدالله علیه‌السلام این است که:

فَاَسْئَلُ اللّهَ الَّذی اَکْرَمَنی بِمَعْرِفَتِکُمْ وَمَعْرِفَةِ اَوْلِیائِکُمْ وَ رَزَقَنِی الْبَراَّئَةَ مِنْ اَعْدائِکُمْ اَنْ یَجْعَلَنی مَعَکُمْ فِی الدُّنْیا وَالاْخِرَةِ وَاَنْ یُثَبِّتَ لی عِنْدَکُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِی الدُّنْیا وَ الاْخِرَةِ؛ از خدایی که مرا با معرفت به شما و دوستانتان گرامی داشت و نیز نفرت از دشمنانتان را روزیم نمود چنین میخواهم که مرا در دنیا و آخرت همراه شما گرداند و همچنین در دنیا و آخرت به من ثُبات قدمی استوار نزد شما عنایت بفرماید.[۱]

بلایی که گریبانگیر اُمّت معاصر با سیدالشهدا را گرفت، ارتداد و بازگشت از میانه‌ی راه بود:

قال الصادق علیه‌السلام: اِرْتَدَّ النّاسُ بَعْدَ قَتْلِ الْحُسَیْنِ اِلاّ ثَلاثَةٌ... ؛ بعد از شهادت امام حسین مردم همگی دچار عقبگرد و رویگردانی شدند مگر سه نفر...[۲]

لذا زائر در یک زیارت، درخواست معیّت با امام و ثابت قدم ماندن در همراهی با ولی خدا را مجددا درخواست می‌نماید:

اَللّهُمَّ ارْزُقْنی شَفاعَةَ الْحُسَیْنِ یَوْمَ الْوُرُودِ وَ ثَبِّتْ لی قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَکَ مَعَ الْحُسَیْنِ وَ اَصْحابِ الْحُسَیْنِ

---

۱. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورای معروفه.
۲. علامه محمد تقی مجلسی، بحارالانوار، ج۷۱، ص ۲۲۰

الَّذینَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ؛ خداوندا در روز قیامت شفاعت امام حسین را روزیم نما و مرا در همراهی با امام حسین و اصحاب ایشان ثابت قدم و استوار بدار. اصحابی که خون قلبشان را فدای امام حسین علیه‌السلام نمودند.[۱]

"از چشم خدا افتادن" و **"سلب توفیق الهی در نُصرتِ دینِ خدا و انتقال آن به سایر اُمت‌ها"** خطریست که هر مسلمان و هز زائر حسینی را تهدید می‌نماید. لذا معیّت و ثبات قدم در آن لازمه‌ی مسلمان ماندن است:

یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا مَنْ یَرْتَدَّ مِنْکُمْ عَنْ دینِهِ فَسَوْفَ یَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنینَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْکافِرینَ یُجاهِدُونَ في سَبیلِ اللَّهِ وَ لا یَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ ذلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلیمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرکس از شما از دین خود برگردد، به‌زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هرکه بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست.[۲]

۱. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورای معروفه
۲. مائده، ۵۴.

بنابرایـن درس خـاصِ اربعیـن بـرای همـه‌ی پیروان، داشــتن روح اســتقامت و بازنگشتن از میانۀ راه اســت.

خون‌خواهی و مطالبۀ حق امام

«وَ مَنۡ قُتِلَ مَظۡلُوماً فَقَدۡ جَعَلۡنا لِوَلِیِّهِ سُلۡطاناً؛ کسی که مظلومانه و به ناحق کشته شود به ولیِّ دم او حق و اختیار [در قصاص] دادیم.»[1]

پُـر واضـح اسـت که امـام زمـان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ولـیِّ‌دمِ قطعیِ سیدالشـهدا علیه‌السلام اسـت. اما مگر نـه اینکه در زیـارت اباعبـدالله علیه‌السلام و اعـلام بیعت به سـاحت مقدس ایشـان، بی‌هیـچ فاصله‌ای عرض می‌شـود:

«إِنِّي سِلۡمٌ لِمَنۡ سَالَمَكُمۡ وَ حَرۡبٌ لِمَنۡ حَارَبَكُمۡ وَ وَلِيٌّ لِمَنۡ وَالاَكُمۡ»

مصـداقِ اتـمّ " لِمَنۡ وَالاَكُمۡ " حجـت بـن الحسـن عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف اسـت کـه زائر اعـلام پیوسـتگی و " ولـی " بودن نسـبت بـه او می‌نمایـد. نتیجـه اینکه مطالبه‌حـق امـام بواسـطه‌ی وجـوب خونخواهـی بـرای آن حضـرت، امـری واجـب و اجتنـاب ناپذیـر اسـت. از همیـن رو در زیارتنامه اباعبدالله الحسـین علیه‌السلام دو مرتبـه اعـلام بیعـت شـده و هـر بـار بعـد از بیعـت، اعلام آمادگی برای خونخواهی شـده اسـت:

---

۱. اسراء، ۳۳.

- فَاَسْئَلُ اللّهَ الَّذی اَکْرَمَ مَقامَکَ وَ اَکْرَمَنی بِکَ اَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ اِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ (صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ) ...

- وَ اَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارکم مَعَ اِمامٍ هُدیً ظاهِرٍ ناطِقٍ بِالْحَقّ مِنْکُمْ[1]

هیچ مؤمنِ متعهدی شک نخواهند نمود که مطالبه خون و حقِ امام تکلیف است مسلّم و البته روی زمین مانده؛ زیرا خون اباعبدالله علیه‌السلام هنوز از جوش و خروش نیفتاده است. چنانچه آن حضرت، خودشان فرمودند:

«یَا وَلَدِي یَا عَلِيُّ وَ اللّهِ لَا یَسْکُنُ دَمِي حَتَّی یَبْعَثَ اللّهُ الْمَهْدِيَّ فَیَقْتُلَ عَلَی دَمِي مِنَ الْمُنَافِقِینَ الْکَفَرَةِ الْفَسَقَةِ سَبْعِینَ أَلْفاً؛ (در وابسین لحظات از حیات مبارکشان، امام سجاد را در آغوش گرفته و فرمودند: ای فرزندم علی، سوگند به خدا خون من از جوشیدن نخواهد ایستاد تا خدای توانا مهدی را برانگیزاند. پس آنگاه هفتادهزار نفر از منافقان کافرمسلکِ فاسق را به‌جرم خون من خواهد کشت.»[2]

بنابراین یکی از مهمترین انگیزه‌های زائر باید خون‌خواهی و مطالبه‌ی حق سیدالشهدا علیه‌السلام باشد.

۱. مفاتیج الجنان، زیارت معروفه‌ی عاشورا
۲. بحار الأنوار، ج۴۵، ص۲۹۹.

آمادگی برای بذل جان و مال (شهادت‌طلبی)

«أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكاذِبِينَ؛ آيا مردم می‌پندارند که بصرف ایمان زبانی از امتحان الهی مُعاف میشوند؟! ما قطعا پیشینیان ایشان را مورد ابتلا و امتحان قرار دادیم؛ پس مشخص شد که راستگو کیست و دروغگو چه کسی است.»[1]

برخی طرفدار اسلامِ بی‌دردسرند. ناچارا تکالیفی که جان و مال و احیانا ناموسشان را به خطر می‌اندازد را جزو دین نمی‌دانند و حال آنکه دینداریِ مسئولانه ایجاب میکند که بدانیم امام حسین فقط شفادهنده نیست. آقایی که زیارتش تکلیف آور نیست. امامی که حاجت می‌دهد و با قطره اشکی از ما راضی می‌شود. چنین امامی را خودِ آن حضرت هم قبول ندارد! زیرا قیام و شهادتشان منکر این توهّم است. لذا در گام اول از حرکتشان، شرط همراهی با خود را دست شستن از جان و آمادگی برای شهادت اعلام فرمودند:

مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مُوَطِّناً عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا؛ هر کس که آماده بذل جان و ملاقات با خداست، پس با ما بیاید.»[2]

اساسا معرفتِ در زیارت یعنی همین که زائر بداند "پیرو حسین بودن بی‌دردسر نیست و

---

۱. سوره عنکبوت، آیات ۲ و ۳

۲. لهوف سید بن طاووس، ص۶۱

خون می‌خواهد“ و البته برای این امر نیز آمادگی کسب نماید. مسئله‌ای که اباعبدالله علیه‌السلام در تحلیل شخصیتی مردمان معاصر با خود، ایشان را فاقد این مهم معرفی می‌نمایند:

إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَ الدِّينُ لَعْقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُون؛ همانا مردم دنیا پرستند و دین لقلقه‌ی زبانشان است (از حدِّ زبانشان فراتر نمی‌رود). تا زمانی که کارشان روبه‌راه شود، دین‌دارند اما همینکه در بوته آزمایش قرار می‌گیرند، دینداران اندک شوند.[1]

آمادگی برای بذل جان و مال، عیار و ارزش زیارت را بالا برده و آن را تبدیل به تجدید میثاق و اعلام جانثاری میکند. زیارت این چنینی انشاالله مقبول است والا باید بازگشت:

أيّهَا النَاّسُ فَمَن كَانَ مِنكُم يَصبِرُ عَلَى حَدِّ السَّيفِ وَ طَعنِ الأَسنّةِ فَليَقُم مَعَنَا وَ إلّا فَليَنصَرِف عنّا؛ ای مردم، هر کس از شما که تحمّل تیزی شمشیر و ضربت نیزه‌ها را دارد با ما بماند، والا ما را رها کرده و بر گردد.[2]

در واقع شهادت طلبی لازمه‌ی طی نمودن مسیر حسینی است که باید آن را در خود ایجاد کرد؛ با تقوا و تهذیب نفس.

---

۱. (تحف العقول، ۲۴۵)
۲. ینابیع المودّه، ج۳، ص۶۲

فصل چهارم؛ اربعین و گفتمان مقاومت

بخش اول؛ گفتمان‌سازی مقاومت

هستی‌شناسی مقاومت آگاهانه

معنای مقاومت چیست؟ معنای مقاومت این است که انسان یک راهی را انتخاب کند که آن را راه حق می‌داند، راه درست می‌داند، و در این راه شروع به حرکت کند و موانع نتوانند او را از حرکت در این راه منصرف کند و او را متوقّف کند؛ این معنای مقاومت است.[۱] بعضی خیال میکنند اگر ما بخواهیم خودمان را از تهمت سلطه‌طلبی و اقتدارطلبی بین‌المللی و منطقه‌ای برکنار کنیم، باید برویم در لاک دفاعی؛ این‌جوری نیست. در لاک دفاعی نمی‌رویم، در موضع انفعال قرار نمی‌گیریم، بلکه ما در موضع «اَعِدّوا لَهُم مَا استَطَعتُم مِن قُوَّةٍ وَ مِن رِباطِ الخَیلِ تُرهِبونَ بِه عَدُوَّ اللّٰهِ وَ عَدُوَّکُم»[۲] قرار میگیریم. در موضعی قرار می‌گیریم که در این آیه‌ی شریفه از آن تعبیر شده است به «تُرهِبونَ بِه عَدُوَّ اللّٰهِ وَ عَدُوَّکُم»؛ «تُرهِبونَ بِه» یعنی چه؟ «تُرهِبونَ بِه» همان چیزی است که در ادبیّات سیاسی امروز به آن «قدرت بازدارندگی» می‌گویند.[۳]»

---

۱ . بیانات رهبر معظم انقلاب در سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.

۲ . انفال، آیه ۶۰

۳ . بیانات رهبر معظم انقلاب در دانشگاه افسری امام حسین (علیه‌السلام)، ۱۳۹۶/۰۲/۲۰.

تبارشناسی مقاومت آگاهانه

مقاومـت میتوانـد قدرتهای اسـتکباری را به زانو درآورد؛ چنان‌کـه مقاومـت امـام و مقاومـت ملّـت ایـران پیـش از انقـلاب و بعـد از پیـروزی انقـلاب توانسـت قدرتهـای اسـتکباری را بـه زانـو در بیاورد. ایـن مقاومـتِ آگاهانـه، درس عمومی اسـت. معلّم بـزرگ ایـن مقاومـتِ آگاهانـه، حسـین‌بن‌علی علیه‌السلام اسـت.[1] امـام حسـین علیه‌السلام معلّـمِ مقاومـتِ آگاهانه اسـت... مقاومـتِ آگاهانـه؛ مقاومتـی کـه میدانـد میخواهـد چه کند و هدفش چیسـت. این بایسـتی بـرای ملّتهـا، دولتهـا، شـخصیّت‌ها و ملّـت انقلابی خودمـان اسـوه و الگو باشـد.[2]

ماجـرای اربعیـن هـم یـك مقابلـه و مقاومـت مقابل رژیم اسـتکباری اسـت؛ یعنی حرکت خاندان امـام حسـین علیه‌السلام از هـر جا کـه بودنـد - از شـام یا از مدینـه- بـه کربلا، بـرای زنـده کـردن حادثـه‌ی عاشـورا، حادثـه‌ی مقاومـت و حادثـه‌ی شـهادت بـود؛ ایـن حـوادث بـه هـم پیوند خـورده اسـت.[3]

---

۱. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، آفتاب در مصاف، صفحه: ۶۱، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران، ۱۳۹۲ ه.ش. ۲۶ / ۰۲ / ۱۳۶۲

۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، آفتاب در مصاف، صفحه: ۶۳، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران، ۱۳۹۲ ه.ش.

۳. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، آفتاب در مصاف، صفحه: ۱۳۵، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران، ۱۳۹۲ ه.ش.– بیانات در ۱۳۶۴/۰۸/۱۲.

چرایی و ضرورت مقاومت

تنهـا راه مـا بـرای دفـاع از اسـلام و انقـلاب، ایسـتادگی و مقاومـت اسـت. ایسـتادگی، بـرای حـال و آینـده‌ی ملـت، بـرکات زیـادی دارد. همین مقاومـت و ایسـتادگی شـما، إن شـاء الله مشـکلات را یکـی پـس از دیگـری برطـرف خواهـد کـرد.[1] ملت فلسـطین، ملـت عـراق، ایـران و ملتهـای دیگـر، همه به چشـم خودشـان دیدنـد کـه راه مقاومت و ایسـتادگی، تنها راه پیروزی اسـت؛ راه دیگری وجود نـدارد؛ و لـو مقاومت‌کننده یـك گروه کوچك باشـد؛ و لـو آن قدرتـی کـه در مقابل آن مقاومت می‌شـود، ارتـش درجـه‌ی یك دنیا باشـد و از طـرف امریکا هم حمایـت بشـود. هرچه باشـد، ایـن یك راز و سـنّت الهـی اسـت. ایسـتادگی وسـیله‌ی پیـروزی اسـت، منتها کسـانی که مقاومت می‌کننـد، باید از خطرات مقاومت نترسـند.[2]

لزوم گفتمان‌سازی نظریه‌ی مقاومت

نظریّـه‌ی مقاومـت در مقابلِ دشـمنِ قوی‌پنجه را تبلیـغ کنیـد، ترویـج کنیـد. بعضـی تصوّر نکنند کـه چـون دشـمن بمـب دارد، موشـک دارد، دسـتگاه‌های تبلیغاتـی دارد و از ایـن قبیـل، مـا عقب‌نشـینی [کنیم]؛ نخیر، نظریّـه‌ی مقاومت، یک نظریّـه‌ی اصیل و درسـت اسـت؛ هم در مقـام نظر،

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اقشار مختلف مردم آباده، شال و تاکستان، هرسین و صحنه، بویین‌زهرا و...، ۲۲/ ۰۶/ ۱۳۶۸.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۱/ ۰۷/ ۱۳۸۵.

هـم در مقام عمل؛ از لحاظ نظـری و از لحاظ عملی -از هـر دو جهت- باید [ترویج شـود]. معنای نظری ایـن اسـت کـه تبییـن کنیـد. شـما جوانهـا خیلـی خـوب می‌توانیـد ایـن نظریّـه‌ی مقاومـت را تبیین کنیـد؛ هـم در بیـن خودتـان و هـم محیطـی که در آنجـا قـرار دارید... این را که هدفِ اسـتکبار سـیطره اسـت، هـدفِ اسـتکبار سـلطه اسـت، سـلطه‌ی بر ملّتهـا اسـت، بـرای همـه تبییـن کنیـد، بدانند که هـدف اسـتکبار این اسـت. از لحـاظ عملی، جریان مقاومـت را مـا حـقّ جوانهـا می‌دانیـم؛ جوانهـای عراق، جوانهای سـوریه، جوانهـای لبنان، جوانهایی در شـمال آفریقـا، جوانهایـی در مناطق شـبه‌قارّه و اطـراف آنهـا، یک مشـت جوانهایـی هسـتند که در مقابـل آمریـکا مقاومـت می‌کنند، ایسـتاده‌اند؛ حقّ اینهـا اسـت، ما حـقّ اینهـا می‌دانیـم؛ تقویـت این جریانهـا به‌معنـای تقویت نظریّه‌ی مقاومت اسـت.[۱]

شروط و اضلاع منطق مقاومت

دو شـرط مقاومـت و آگاهـی، هر دو باید باشـد. مقاومـتِ ناآگاهانـه، فسـاد ایجاد خواهـد کرد؛ مثل آگاهانـه مقاومت نکـردن. چه مقاومت نباشـد، چه آگاهـی نباشـد، هـر دو بد اسـت. بایـد جوانهای ما کـه در جبهه‌های جنـگ مقاومت میکننـد، بدانند این مقاومت برای چیسـت.[۲] امـام (ره) مقاومت را از

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲.

۲. خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، آفتاب در مصاف، صفحه: ۶۱، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار

روی هیجان‌زدگی انتخاب نکرد، از روی احساسات زودگذر انتخاب نکرد؛ پشتوانه‌ی انتخابِ مقاومت از سوی امام بزرگوار ما یک پشتوانه‌ی منطقی است، پشتوانه‌ی عقلانی است، پشتوانه‌ی علمی است و البتّه پشتوانه‌ی دینی؛ منطق، پشت سرِ ایستادگی امام و مقاومتِ امام وجود دارد؛ حالا من چند جزء از اجزای این منطق را عرض میکنم...[1]

الف) واکنش طبیعی در مقابل زورگویی

«یک جزء این منطق این است که مقاومت، واکنش طبیعیِ هر ملّت آزاده و باشرف در مقابل تحمیل و زورگویی است؛ دلیل دیگری لازم ندارد. هر ملّتی که برای شرف خود، برای هویّت خود، برای انسانیّت خود ارزش قائل است، وقتی ببیند یک چیزی را میخواهند به او تحمیل بکنند، مقاومت میکند، امتناع میکند، ایستادگی میکند؛ خود این، یک دلیل مستقل و قانع‌کننده است.»[2]

ب) موجب عقب نشینی دشمن

«دوم: مقاومت موجب عقب‌نشینی دشمن میشود، بر خلاف تسلیم. وقتی که دشمن به شما زور میگوید، اگر شما یک قدم به عقب برداشتید، او جلو می‌آید؛ بدون تردید. راه اینکه او جلو نیاید،

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران - ایران، ۱۳۹۲ ه.ش. ۲۶ / ۰۲ / ۱۳۶۲

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.

این است که شما بِایستید. ایستادگی و مقاومت کردن در مقابل زیاده‌خواهی دشمن و زورگیری دشمن و باج‌خواهی دشمن، راه جلوگیری از پیش آمدنِ او است؛ پس صرفه با مقاومت است.

خود ما هم همین جوری هستیم و تجربه‌ی خود ما در جمهوری اسلامی همین را نشان میدهد... به طور کلّی بگویم: هر جا ما ایستادگی کردیم و مقاومت کردیم، توانستیم پیش برویم؛ هر جا تسلیم شدیم و طبق میلِ طرف مقابل حرکت کردیم، ضربه خوردیم.[1]

در مقابل دشمن، «عقب‌نشینی» مشوّق دشمن است؛ در مقابل دشمن، «ایستادگی» موجب عقب‌رفت دشمن است. «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلاً[2]؛ این سنّت الهی است: اگرچنانچه در مقابل ظلم و استبداد و زورگویی و خباثتها و جنایتهای جنایتکارانِ عالم بِایستید، قطعاً مجبور به عقب‌نشینی میشوند؛ این قرآن کریم است.[3]»

ج) کم هزینه‌تر از تسلیم و سازش

«بخش سوّم از منطق مقاومت... این است که مقاومت البتّه هزینه دارد، بدون هزینه نیست،

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.

۲. فتح، آیه ۲۲

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۷/۰۱/۲۵.

امّا هزینه‌ی تسـلیم در مقابل دشـمن بیشـتر است از هزینـه‌ی مقاومـت. وقتی شـمادر مقابل دشـمن تسـلیم میشـوید، باید هزینـه بدهید...

امـروز دولـت سـعودی همیـن جـور اسـت؛ هـم پـول میدهـد، هـم دلار میدهـد، هم بـر طبق خواسـت آمریـکا موضع‌گیـری میکنـد، هـم توهیـن می‌شـنود؛ بـه او می‌گوینـد «گاو شـیرده»!

هزینـه‌ی سـازش، هزینـه‌ی تسـلیم، هزینـه‌ی عـدم مقاومت، از هزینـه‌ی مقاومت بمراتب بیشـتر اسـت؛ هزینه‌ی مـادّی هـم دارد، هزینـه‌ی معنوی هـم دارد.[۱] تسـلیم شـدن در مقابـل دشـمن عنود و لجـوج و خبیـث، جـز لگدمـال شـدن، جـز ذلیل شـدن، جز بی‌هویّت شـدن هیچ اثری نـدارد؛ این را بایسـتی همه بداننـد. این قانون لایتخلّـف پروردگار اسـت کـه فرمـود: «فَلا تَهِنوا وَ تَدعوا اِلَی السَّلمِ وَ اَنتُمُ الاَعلَونَ وَ اللهُ مَعَکُم وَ لَن یَتِرَکُم اَعمالَکُم؛ سسـت نشـوید، دعوت به سـازش با دشـمن نکنید، خدای متعـال شـما را برتر قرار داده اسـت و برتر هسـتید»[۲] "وَلَن یَتِرَکُم" - یعنی "لَن یَنقُصَکُم" - خـدای متعال بـرای شـما کـم نمی‌گـذارد در مقابـل مجاهدتی که انجـام داده‌ایـد، پـاداش ایـن مجاهـدت را به‌طـور کامل به شـما خواهـد داد.[۳]»

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی رحمةالله‌علیه، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.

۲. محمد، آیه ۳۵

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، ۱۳۹۷/۰۴/۰۹.

د) مایه‌ی پیروزی نهایی

«بخش چهارم و عنصر چهارم از منطق مقاومتی که امام بزرگوار پایه‌گذاری کرد در نظام جمهوری اسلامی، این بخشِ قرآنیِ وعده‌ی الهی است. خداوند متعال در آیات مکرّر قرآن این وعده را داده است که اهل حق، طرف‌داران حق، پیروز نهایی‌اند؛ آیات فراوان قرآن بر این معنا دلالت میکند. ممکن است قربانی بدهند امّا در نهایت شکست نمیخورند؛ آنها پیروز هستند در این صحنه؛ قربانی دارند امّا ناکامی ندارند... «وَ نُریدُ اَن نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ استُضعِفوا فِی الاَرضِ»[1] تا آخر آیه؛ آیه‌ی دیگر: «اِن تَنصُرُوا اللّهَ یَنصُرکُم وَ یُثَبِّت اَقدامَکُم»؛[2] آیه‌ی دیگر: «وَ لَیَنصُرَنَّ اللّهُ مَن یَنصُرُه.»[3] آیات فراوان قرآن همه همین عاقبت را نوید میدهند به آن کسانی که در راه مقاومتند. این هم یک استدلال. یک بخشی از استدلال قوی و منطق قوی امام همین آیات است.»[4]

ه) امری شدنی و ممکن

«نکته‌ی پنجم -که برای منطق مقاومت باید در نظر داشت... این است که مقاومت یک امر ممکن است؛ درست نقطه‌ی مقابلِ فکر غلطِ کسانی که می‌گویند و تبلیغ می‌کنند که «آقا!

---

۱. قصص، آیه ۵
۲. محمد، آیه ۷
۳. حج، آیه ۴۰
۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله علیه، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.

فایده‌ای ندارد؛ چطور می‌خواهید مقاومت کنید؟ طرف، گردن‌کلفت است، طرف قوی است.» خطای بزرگ، اینجاست! خطای بزرگ، این است که کسی تصوّر کند که در مقابل گردن‌کلفت‌های عالَم نمی‌شود مقاومت کرد، نمی‌شود ایستاد... خلاصه‌اش این است که باید سواری بدهیم؛ سواری بدهیم و خیال خودمان را راحت کنیم. من عرض میکنم که این نگرش که بگویند «ما نمی‌توانیم»... اشتباه در محاسبه است. خطای محاسباتی در هر قضیّه‌ای ناشی از این است که ما عوامل گوناگون این قضیّه را درست نبینیم. آنجایی که بحث بر سر یک مقابله است، بر سر یک برخوردِ دو جبهه با یکدیگر است، خطای محاسباتی از اینجا ناشی می‌شود که ما جبهه‌ی خودمان را هم درست نشناسیم، جبهه‌ی مقابل را هم درست نشناسیم؛ وقتی نشناختیم، در محاسبه اشتباه می‌کنیم؛ اگر درست شناختیم، محاسبه‌ی ما جور دیگری خواهد بود. من عرض می‌کنم که ما در محاسباتی که باید در مسئله‌ی مقاومت در مقابل زورگویان عالَم داشته باشیم، باید حقایق مربوط به این زورگویان را درست بدانیم، حقایق مربوط به خودمان را هم بدانیم. یکی از این حقایق، «قدرت مقاومت» است».[1]

---

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی رحمة‌الله‌علیه، ۱۳۹۸/۰۳/۱۴.

موتور محرکه‌ی مقاومت و ارکان تداوم آن

سیّدالشّهدا علیه‌السلام، می‌دانست که بعد از شهادت او، دشمن تمام فضای جامعه و دنیای آن روز را از تبلیغات بر ضدّ او پر خواهد کرد. امام حسین علیه‌السلام، کسی نبود که زمان و دشمن را نشناسد. می‌دانست دشمن چه خباثت‌هایی خواهد کرد. درعین‌حال، این ایمان و امید را داشت که همین حرکت مظلومانه و غریبانه او، بالأخره دشمن را هم در کوتاه مدّت و هم در بلند مدّت شکست خواهد داد. و همین‌طور هم شد. خطاست اگر کسی خیال کند که امام حسین علیه‌السلام، شکست خورد. کشته شدن، شکست خوردن نیست. در جبهه جنگ آن‌کس که کشته می‌شود شکست نخورده است. آن‌کس که به هدف خود نمی‌رسد، شکست خورده است. هدف دشمنان امام حسین علیه‌السلام، این بود که اسلام و یادگارهای نبوّت را از زمین براندازند. این‌ها شکست خوردند. چون این‌طور نشد. هدف امام حسین علیه‌السلام این بود که در برنامه یکپارچه دشمنان اسلام، که همه جا را به رنگ دلخواه خودشان در آورده بودند یا قصد داشتند درآورند، رخنه ایجاد شود؛ اسلام و ندای مظلومیت و حقانیّت آن در همه جا سر داده شود و بالأخره دشمن اسلام، مغلوب شود. و این، شد. هم در کوتاه مدّت امام حسین علیه‌السلام پیروز شد و هم در بلند مدّت»[1]

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت فرارسیدن ماه محرم(۱۳۷۱/۰۴/۱۰)

بخش دوم؛ عاشورایی دوباره در کربلای غزّه

تحمیل بی‌سابقه‌ترین جنایات بر بی‌دفاع‌ترین افراد

جنایتی که در غزّه دارد انجام میگیرد - تا آنجایی که ما در تاریخ دوره‌های اواخر سراغ داریم؛ حالا آن گذشته‌های دور را درست نمیدانم - بی‌سابقه است؛ این‌جور جنایت کردن، این‌جور کشتار دسته‌جمعی، نسل‌کشی، حمله‌ی به زنان، حمله‌ی به کودکان، حمله‌ی به بیماران، حمله‌ی به بیمارستان‌ها، این فجایعی که در بیمارستان‌ها صورت گرفته، اصلاً چیزهای عجیبی است. جوری شده است که پرورش‌یافتگان در فرهنگ غربی، در اروپا و در خود کشور آمریکا هم می‌آیند با فریاد اعتراض میکنند؛ در حالی که خیلی از خبرها هم بخوبی به آنها نمیرسد، امّا همان مقداری که اطّلاع دارند اعتراض میکنند. جنایت این‌قدر شدید است. خب، این قضیّه از این جنبه خیلی مهم است.[1]

رژیم صهیونیستی زشت‌ترین چهره‌ی یک باند جنایت‌کار را دارد از خودش ارائه میدهد و نشان میدهد. اینها دولت نیستند؛ اینها یک باند جنایت‌کارند، یک باند قاتلند، یک باند تروریستند. اینها در ترور و قساوت و جنایت - جنایتهای عجیب و غریب - نصاب جدیدی را در تاریخ جنایت‌کاری بشر در دنیا به جا گذاشتند؛ یک نصاب جدیدی به وجود آوردند. امروز

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۴۰۳/۰۱/۱۵

بمب‌های سنگین صهیونیست‌ها بر روی سر کسانی ریخته میشود که حتّی یک گلوله شلیک نکرده‌اند؛ کودکان داخل گهواره‌ها، بچّه‌های پنج‌ساله، شش‌ساله، زنها، بیماران بیمارستان‌ها؛ اینها حتّی یک گلوله به کسی شلیک نکرده‌اند، [امّا] بمب روی سر اینها دارد ریخته میشود؛ چرا؟ این جنایت، یک جنایت بی‌سابقه است.[1] هرگز این‌جور سفّاکی، این‌جور جنایتگری، این‌جور خونخواری در این دوره‌ی تاریخی‌ای که اشاره کردم دیده نشده؛ این‌جور کودک‌کشی، این‌جور بمبِ سنگرشکن را روی سر بیماران بیمارستان‌ها انداختن، این‌جور بی‌رحمی، این‌جور خباثت، بی‌نظیر است و دیده نشده.[2]

مسئله‌ی اول اسلام و جهان

امروز در رأس مسائل دنیای اسلام، مسئله‌ی فلسطین و همین حوادثی است که در غزّه دارد اتّفاق می‌افتد؛ همه‌ی اینها حوادث آینده‌سازی است.[3] یک روز موضوع فلسطین، صرفاً یک موضوعِ کشورهای اسلامی بود؛ امروز مسئله‌ی فلسطین و مسئله‌ی غزّه، یک مسئله‌ی عمومیِ جهانی است. این مسئله امروز از داخل کنگره‌ی آمریکا تا سازمان ملل تا المپیک پاریس تا همه‌جای دیگر،

۱. بیانات در مراسم تنفیذ حکم چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

۲. بیانات در دیدار مردم «کرمان» و «خوزستان»، ۰۲/ ۱۰/ ۱۴۰۲

۳. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای استان لرستان؛ ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

انتشـار و گسـترش دارد.[1] اینکه مسـئله‌ی فلسطین بشود مسـئله‌ی اوّل، در کجا؟! در لندن، در پاریس، در کشـورهای اروپایی، در واشـینگتن، چیز کوچکی نیسـت. تسـلّطی کـه صهیونیسـت‌ها در طـول این سـالها بـر دسـتگاه‌های رسـانه‌ای دنیـا داشـتند، چیـزی نیسـت که اجـازه بدهد بـه نفع فلسـطین و علیـه آنهـا صدایی پخش بشـود؛ امروز ایـن صدا در همـه‌ی دنیا دارد پخش میشـود.[2]

کلید رمزآلود درهای فرج

ملت‌هـای مسـلمان می‌خواهنـد آزادی و کرامـت و پیشـرفت و عـزت را در سـایه‌ی اسـلام بـه دسـت آورنـد؛ ملت‌هـای مسـلمان از سـلطه‌ی دویست‌سـاله‌ی بیگانگان و اسـتعمارگران به سـتوه آمـده و از فقـر و ذلـت و عقب‌ماندگـی تحمیلـی خسـته شـده‌اند. ما حق داریـم و می‌توانیم تحقیر و تکبر دولت‌های سـلطه‌گر را به خودشـان برگردانیم؛ ایـن احسـاس صـادق ملت‌های مـا و نسـل کنونی دنیـای اسـلام از شـرق آسـیا تـا قلـب آفریقاسـت و ایـن، میدانِ جهـادی پیچیـده و متنوع و دشـوار و بلندمدت اسـت، و اگر فلسـطین را پرچم این جهاد بنامیـم، سـخنی بـه گـزاف نگفته‌ایم. امـروز همه‌ی دنیـای اسـلام بایـد قضیـه‌ی فلسـطین را قضیه‌ی خـود بدانـد؛ این، کلید رمزآلودی اسـت کـه درهای

---

۱. بیانات در مراسم تنفیذ حکم چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۱۴۰۳/۰۱/۲۲

فـرج را به روی امت اسـلامی می‌گشـاید. فلسـطین باید بـه ملت فلسـطین برگـردد.[1]

کُند شدنِ تیغ فراموشی در ماجرای فلسطین

امروز مسـئله‌ی غزّه، مسـئله‌ی اوّل دنیا اسـت؛ یعنـی در سـطح بین‌المللـی. صهیونیسـت‌ها و پشـتیبانان آمریکایـی و اروپاییِ‌شـان هـر کار هـم میکننـد کـه مسـئله‌ی غـزّه را از دسـتور کار افـکار عمومـی دنیـا خـارج کننـد نمیتواننـد. خـب نـگاه کنیـد بـه ایـن دانشـگاه‌های آمریـکا... در اسـترالیا، در کشـورهای مختلـف اروپایی. یعنی ملّتها نسـبت به مسـئله‌ی غزّه حسّاسـند؛ این مسـئله، مسئله‌ی اوّل دنیـا اسـت.[2] تسـلّطی کـه صهیونیسـت‌ها در طـول ایـن سـالها بـر دسـتگاه‌های رسـانه‌ای دنیـا داشـتند، چیـزی نیسـت کـه اجـازه بدهـد بـه نفع فلسـطین و علیـه آنهـا صدایـی پخش بشـود؛ امروز ایـن صـدا در همـه‌ی دنیـا دارد پخـش میشـود. پـول هم خـرج میکننـد، فریـاد هـم میزننـد، دفاع هـم میکننـد، [امّا] مـردم دنیـا علیه اینها هسـتند، مخالـف صهیونیسـت‌هایند. اینهـا مسـائل مهمّـی اسـت؛ بایـد با چشـم عبرت بـه اینها نگاه کـرد. یک حادثـه‌ای دارد اتّفـاق می‌افتـد.[3]

---

۱. (۱۳۸۵/۰۱/۲۵) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین
۲. بیانات در دیدار معلمان؛ ۱۴۰۳/۰۲/۱۲
۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۱۴۰۳/۰۱/۲۲

مظلوم‌نمایی اسرائیل و حامیانش

همین که رژیم صهیونیستی به جان زن و کودک می‌افتد، به خاطر این است که از برخورد با رزمندگان مقاومت عاجز مانده؛ چون آنجا احساس عجز میکند، عصبی میشود و به جان زن و بچّه‌ی مظلوم و بی‌دفاع می‌افتد.[۱] این دشمن خبیث و ظالم، حالا که سیلی را خورده، سیاست مظلوم‌نمایی در پیش گرفته،... هیچ کس نمیتواند از این هیولای دیوسیرت چهره‌ی یک مظلوم بسازد. این مظلوم‌نمایی را رژیم اشغالگر بهانه قرار داده است برای اینکه بتواند باز به ظلمِ مضاعفِ خودش ادامه بدهد. حمله به غزّه، حمله به خانه‌های مردم، حمله به غیر نظامیان، قتل‌عام و کشتار دسته‌جمعی مردم غزّه؛ این مظلوم‌نمایی دستاویزی است برای اینکه باز بتواند این جنایات را چند برابر کند.[۲]

وظیفه‌ی مردمی در موضوع فلسطین

مرز دنیای اسلام امروز در غزّه است، نبض دنیای اسلام امروز در غزّه میزند... باید بدانیم که چه کار باید بکنیم. یکی از خصوصیّات همین است که مجاهدِ تبیین بداند امروز چه چیزی را باید تبیین کند؛ مسئله‌ی روز خودش را بشناسد. امروز شما باید غزّه را تبیین کنید، امروز شما باید

---

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام؛ ۱۴۰۳/۰۱/۱۵
۲. بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح؛ ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

دشـمنی‌های بـا نظـام اسـلامی را تبییـن کنیـد.[1]
حقیقتاً مسـئله‌ی غـزّه، امروز یک مسـئله‌ی مهمّی اسـت؛ رأس مسـائل دنیای اسـلام اسـت. همه باید واقعـاً در این زمینه احسـاس مسـئولیّت کنیم. دل ملّتهـا همـراه اسـت، حتّـی غیـر مسـلمانها.[2] نباید بگذاریـم ایـن مسـئله از نـگاه عمومـیِ بین‌المللـیِ مـردمِ دنیـا و از ایـن مسـئله‌ی اوّل بـودن، خـارج بشـود؛ باید فشـار روی رژیـم صهیونیسـتی روزبه‌روز افزایش پیدا کند.[3] بخشـی از امت اسـلامی در قالب یك ملـت مظلـوم در چنگال یـك گـرگ خون‌خوار و خون‌ریـزی دسـت‌وپا می‌زنـد؛ همـه بایـد بـه کمك او بشـتابند؛ ایـن حرف ما اسـت.[4] نباید اجـازه داده بشـود که این مسـئله از اولویّت افـکار عمومی مردم دنیـا کنار برود. قضیّه خیلی قضیّه‌ی مهمّی اسـت.[5]
خواص در دنیای اسـلام وظیفـه دارند. خواص علما هسـتند، دانشـمندان هستند، سیاسـیّون هستند، مطبوعاتی‌هـا هسـتند؛ می‌بیننـد کـه در غـزّه چـه دارد میگـذرد؛ می‌بیننـد کـه آمریـکا با پشـتیبانی از رژیم صهیونیسـتی چـه ضربه‌ای دارد به انسـانیّت و بشـریّت میزند.[6]

---

۱. بیانات در دیدار مداحان اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۲/۱۰/۱۳
۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۱۴۰۳/۰۱/۲۲
۳. بیانات در دیدار معلمان؛ ۱۴۰۳/۰۲/۱۲
۴. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی درعید فطر، (۱۳۹۳/۰۵/۰۷)
۵. بیانات در دیدار مسئولان نظام؛ ۱۴۰۳/۰۱/۱۵
۶. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش؛ ۱۴۰۲/۱۱/۱۶

محکوم کردن کافی نیست؛ کاری باید کرد

دنیـا بایسـتی در مقابـل ایـن حادثـه تصمیـم جدّی‌تـری بگیـرد. بایـد دولتهـا، ملّتهـا، شـخصیّت‌های فکـری و سیاسـی، در عرصه‌هـای مختلـف جدّاً تصمیـم بگیرند.[1] آنچـه دولتها وظیفه دارند، قطع کمک سیاسـی و تبلیغاتی و تسـلیحاتی و کالاهـای مصرفـی بـه رژیـم صهیونیسـتی اسـت؛ ایـن وظیفـه‌ی دولتهـا اسـت. آنچـه ملّتهـا وظیفه دارنـد، فشـار بـه دولتهـا اسـت کـه ایـن وظیفه‌ی بـزرگ را انجام بدهنـد.[2] بعضی دولتهای مسـلمان، در مجامـع و در اظهـارات وماننـد اینهـا گاهـی بمبارانهـا را محکـوم میکننـد - حـالا بعضی محکوم هـم نمیکننـد! - [امّـا] ایـن کافی نیسـت؛ بایسـتی ایـن جریـان و شـریانِ حیاتیِ رژیـمِ صهیونیسـتی را قطـع کنند، بایسـتی نگذارند که نفـت و انرژی و کالا و امثال اینها وارد رژیم صهیونیسـتی بشـود، بایستی روابط سیاسی‌شـان [بـا رژیم صهیونیسـتی] را لااقل بـرای یک مـدّت محـدود - فرض کنید تا یک سـال یـا کمتر یا بیشـتر - قطـع کنند؛ اگـر میخواهند این جنایـات انجـام نگیرد، ایـن فاجعه متوقّف بشـود و تمام بشـود، این کار وظیفه‌ی آنها اسـت. ملّتها هم نبایـد بگذارند مظلومیّـت مردم فلسـطین فراموش بشـود؛ بایـد ایـن اجتماعـات را و ایـن حـرکات را ان‌شـاءالله دنبال کنند.[3]

---

۱. بیانات در مراسم تنفیذ حکم چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۳/۰۵/۰۷
۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۱۴۰۲/۱۱/۱۹
۳. بیانات پس از بازدید از نمایشگاه دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه

[در این بین] ملّت یمن و دولت انصارالله انصافاً کار بزرگی انجام دادند.[1] کاری که آنها در پشتیبانی از مردم غزّه انجام دادند، حقّاً و انصافاً در خور تحسین و تمجید است؛ اینها به مجاری حیاتی رژیم صهیونیستی ضربه زدند. آمریکا تهدید کرد، از آمریکا نترسیدند! این[جوری] است دیگر؛ وقتی که انسان از خدا بترسد، از غیر خدا نمیترسد. کارشان حقّاً و انصافاً مصداق جهاد فی‌سبیل‌الله است.[2]

بخش سوم؛ عملیات طوفان الاقصی

اتفاقی نجات‌بخش برای اُمّت اسلام

این عملیّات طوفان‌الاقصی که در پانزدهم مهرِ گذشته اتّفاق افتاد، دقیقاً مورد نیاز منطقه بود؛ منطقه‌ی ما به این عملیّات نیاز داشت... یک نقشه‌ی جامعِ وسیعی به وسیله‌ی آمریکا و عناصر صهیونیست و دنباله‌های آنها و بعضی از دولتهای منطقه طرّاحی شده بود که بر اساس این نقشه‌ی جامع قرار بود مناسبات و معادلات منطقه تغییر پیدا کند. ارتباط رژیم صهیونیستی با دولتهای منطقه طبق خواسته‌ی خود آن رژیم تنظیم بشود و معنایش تسلّط رژیم صهیونیستی بر سیاست و اقتصاد کلّ منطقه‌ی غرب آسیا بلکه کلّ دنیای اسلام بود؛ یک برنامه‌ی وسیعی را طرّاحی

پاسداران انقلاب اسلامی؛ ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

۱. [حمله به کشتی‌های حامی اسرائیل و نیز حمله به شهرهای اسرائیل].

۲. بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۲۶/ ۱۰/ ۱۴۰۲

کـرده بودند کـه ایـن نتیجه‌اش بـود. ایـن برنامه را با مقدّمـات زیادی پیش بـرده بودند؛ آمریکا پشـت سـر این برنامه بود، انگلیس پشـت سـر ایـن برنامه بـود، جامعـه‌ی صهیونیسـت‌های جهانـی پشـت سـر ایـن برنامه بودنـد، بعضـی از دولتهـای منطقه بـا جدّیّـت در ایـن برنامه همـکاری میکردنـد؛ این برنامـه بـه لحظه‌هـای پایانی خـودش رسـیده بود؛ یعنـی چیزی نمانـده بود کـه این برنامه و نقشـه‌ی بلندمـدّت به مرحله‌ی اجرای عملی برسـد. در یک چنیـن لحظه‌ی حسّاسـی حملـه‌ی طوفان‌الاقصی آغـاز شـد و همـه‌ی نقشـه‌های دشـمن را بـر بـاد داد. طوفـان پانزدهـم مهـر، نقشـه‌ی بـا دقّـت طرّاحی‌شـده‌ی دشـمن را باطـل کـرد و بـا وضعـی کـه در ایـن هشـت ماه پیـش آمـده اسـت، امیدی هـم بـه اینکـه بتواننـد ایـن نقشـه را دوبـاره احیـا کننـد چندان وجـود نـدارد. کار بزرگ مهمّـی انجام گرفـت. اینکـه شـما می‌بینیـد رژیـم صهیونیسـتی بـا چنین شـدّتی و قسـاوتی به مـردم بی‌دفـاع غزّه حملـه میکند، واکنـش عصبی رژیم به باطل شـدن آن نقشـه اسـت. اینکـه می‌بینیـد دولـت آمریـکا در مقابـل چشـم همـه‌ی مـردم دنیا بـه ایـن جنایتها کمـک میکند، بـه خاطر واکنـش عصبی آنها اسـت از باطـل شـدن نقشـه‌ای کـه بـا زحمـت زیـاد این نقشـه را کشـیده بودند. طوفان‌الاقصـی یک چنین معجزه‌ای کـرد. این طوفان‌الاقصی درسـت در وقت خـود و در لحظـه‌ی خـود اتّفاق افتـاد. بنـده البتّه

نمیتوانم ادّعا کنم که طرّاحان طوفان‌الاقصی آیا میدانستند که چه کار بزرگی را دارند انجام میدهند یا نه ـ من نمیدانم ـ امّا واقعیّت این است که این کاری که اینها انجام دادند، یک کاری بود که هیچ چیز دیگری نمیتوانست جای آن را بگیرد؛ اینها یک توطئه‌ی بزرگ بین‌المللی برای منطقه‌ی غرب آسیا را با عملیّات طوفان‌الاقصی از بین بردند و باطل کردند.[1]

زلزله‌ای ویرانگر در اردوگاه صهیونیسم

در این چند روز، یک قضیّه‌ی مهمّ سیاسی و نظامی دنیا را متوجّه به خودش کرد و آن، حوادث بی‌سابقه‌ی فلسطین عزیز است... در این قضیّه‌ی پانزدهم مهر (عملیات طوفان الاقصی) به این طرف، رژیم غاصب صهیونیستی، هم از لحاظ نظامی، هم از لحاظ اطّلاعاتی، یک شکست غیر قابل ترمیم خورده؛ شکست را همه گفتند، تأکید من به «غیر قابل ترمیم بودن» است. من میگویم این زلزله‌ی ویرانگر توانسته است بعضی از سازه‌های اصلی حاکمیّت رژیم غاصب را ویران کند که تجدید بنای آن سازه‌ها به این آسانی امکان‌پذیر نیست. بعید است که رژیم غاصب صهیونیستی با همه‌ی های‌وهویی که میکند، با همه‌ی حمایتهایی که امروز در دنیا از سوی غربی‌ها از او میشود، بتواند آن سازه‌ها را ترمیم

---

۱. بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله)؛ ۱۴۰۳/۰۳/۱۴

کنـد. مـن عـرض میکنـم از شـنبه‌ی پانزدهـم مهر، رژیم صهیونیسـتی [دیگـر] رژیم صهیونیسـتیِ قبلی نیسـت.[1] این عملیّات یک ضربـه‌ی تعیین‌کننده‌ای بـه رژیـم صهیونیسـت بـود؛ ضربـه‌ای کـه هیـچ علاجـی بـرای آن وجود نـدارد، و رژیم صهیونیسـت بـر اثـر این ضربـه دچـار ابتلائاتی شـده اسـت که از ایـن ابتلائات نجـات پیـدا نخواهـد کرد... عملیّات طوفان‌الاقصـی... رژیـم صهیونیسـتی را در یـک مسـیری قـرار داده اسـت کـه انتهـای آن مسـیر جز اضمحـلال و نابـودی چیـز دیگری نیسـت.[2]

به بار نشستن نخل مقاومت در فلسطین

ایـن بـلا (طوفـان الاقصـی) را عملکـرد خـود صهیونیسـت‌ها بـر سرشـان آورد. وقتـی ظلـم و جنایـت از حـد گذشـت، وقتی درنده‌خویـی بـه نهایـت رسـید، بایـد منتظـر طوفـان بـود. شـما بـا ملّـت فلسـطین چـه کردیـد؟ اقـدام شـجاعانه و در عیـن حـال فداکارانـه‌ی فلسـطینی‌ها پاسـخ بـه جنایـت دشـمن غاصـب بـود کـه سـالها ادامه داشـت و در ماه‌هـای اخیـر شـدّت آن افزایش پیدا کـرده بـود... رفتـار ایـن رژیـم ظالـم این‌جـور بوده کـه به زن و مـرد رحم نکـرده، به کودک و کهن‌سـال فلسـطینی رحـم نکـرده، حرمـت مسـجدالاقصی را نگـه نداشـته، شهرک‌نشـین‌ها را مثل سـگ هار به

---

۱. بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح؛ ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

۲. بیانات در مراسم سی و پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله)؛ ۱۴۰۳/۰۳/۱۴

جـان فلسـطینی‌ها انداختـه، نمازگـزاران را زیـر پـا لگدکـوب کـرده؛ خب، در مقابـل ایـن همـه ظلم و جنایـت، یـک ملّت چـه کار کنـد؟ یک ملّـت غیور، یـک ملّـت کهن‌سـال... در مقابـل ایـن همـه ظلم چـه واکنشـی از خودش نشـان بدهد؟ خـب معلوم اسـت که طوفـان به‌پـا میکنـد؛ فرصـت پیـدا کند، طوفـان به‌پـا میکنـد.[1]

شـما امروز ببینید موقعیّت فلسـطین با بیسـت سـال پیـش چقـدر تفـاوت کـرده! بیسـت سـال پیـش فلسـطین چه بـود، امـروز چیسـت؟ حماس بیسـت سـال پیـش چـه بـود، امـروز چیسـت؟[2]

حامیـان رژیـم و بعضـی از افـرادِ خودِ رژیـمِ غاصب، یاوه‌گوییهایی در ایـن دو سـه روز کرده‌انـد و ادامه دارد، از جملـه اینکـه ایـران اسـلامی را پشـت ایـن حرکت معرّفـی میکنند؛ اشـتباه میکننـد. البتّه ما از فلسطین دفاع میکنیم، ما از مبارزات دفاع میکنیم، ما پیشـانی و بـازوی طرّاحـان مدبّـر و هوشـمند و جوانـان شـجاع فلسـطینی را میبوسـیم، ما بـه آنها افتخار میکنیم؛ این هسـت، امّـا آنهایی که میگویند «کار فلسـطینی‌ها ناشـی از غیرفلسـطینی‌ها است» ملّـت فلسـطین را نشـناخته‌اند، ملّـت فلسـطین را دسـت‌کم گرفته‌انـد؛ اشتباهشـان در همین اسـت؛ اینجـا هم محاسـبه‌ی غلـط میکنند. البتّـه همه‌ی دنیـای اسـلام موظّـف اسـت کـه از فلسـطینی‌ها

---

۱. بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح؛ ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

۲. بیانات در دیدار با بسیجیان، ۰۸/ ۰۹/ ۱۴۰۲

حمایت کند و باذن‌الله حمایت هم خواهد کرد، امّا این کار، کار خود فلسطینی‌ها است؛ طرّاحان هوشمند، جوانان شجاع، فعّالان ازجان‌گذشته توانسته‌اند این حماسه را به وجود بیاورند و این حماسه ان‌شاءالله گام بزرگی برای نجات فلسطین خواهد بود.[۱]

غیر قابل ترمیم بودن این جراحت بر پیکره‌ی دشمن

ضربه‌ای که در این حادثه، در این حمله‌ی رزمندگان فلسطینی به رژیم غاصب وارد شد، یک ضربه‌ی تعیین‌کننده است؛ تا کنون چنین ضربه‌ای به این رژیم وارد نشده و همین‌طور که ما اوّل هم عرض کردیم، قابل ترمیم نیست؛ هر چه می‌گذرد، بیشتر معلوم می‌شود که قابل ترمیم نیست. اینکه شما مشاهده می‌کنید که رئیس‌جمهور آمریکا، رؤسای کشورهای ظالم و شرور [از قبیل] انگلیس، فرانسه و آلمان، پی‌درپی خودشان را می‌رسانند آنجا، برای چیست؟ چون می‌بینند دارد متلاشی می‌شود، می‌بینند دارد نابود می‌شود.[۲] رژیم غاصب صهیونیستی، هم از لحاظ نظامی، هم از لحاظ اطّلاعاتی، یک شکست

۱. بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح؛ ۱۴۰۲/۰۷/۱۸
۲. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای استان لرستان؛ ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

غیر قابل ترمیم خورده؛ شکست را همه گفتند، تأکید من به «غیر قابل ترمیم بودن» است.[1]

واکنش مذبوحانه‌ی دشمن صهیونیستی

این دشمن خبیث و ظالم، حالا که سیلی را خورده، سیاست مظلوم‌نمایی در پیش گرفته، دیگران هم کمکش میکنند؛ رسانه‌های دنیای استکبار کمکش میکنند، برای اینکه نشان بدهند این مظلوم است... چون مجاهدان فلسطینی توانستند خود را از محاصره‌ی غزّه بیرون بیاورند، خلاص کنند و برسند به مراکز نظامی و غیر نظامی صهیونیست‌ها، او مظلوم است؟ این رژیم غاصب هر چه هست، مظلوم نیست... هیچ کس نمیتواند از این هیولای دیوسیرت چهره‌ی یک مظلوم بسازد. این مظلوم‌نمایی را رژیم اشغالگر بهانه قرار داده است برای اینکه بتواند باز به ظلمِ مضاعفِ خودش ادامه بدهد. حمله به غزّه، حمله به خانه‌های مردم، حمله به غیر نظامیان، قتل‌عام و کشتار دسته‌جمعی مردم غزّه؛ این مظلوم‌نمایی دستاویزی است برای اینکه باز بتواند این جنایات را چند برابر کند؛ با مظلوم‌نمایی میخواهد این جنایات خودش را توجیه کند... سران و تصمیم‌گیران رژیم غاصب و حمایت‌کنندگان‌شان بدانند که همین کار، بلای بزرگ‌تری بر سر آنها خواهد آورد؛

---

۱. بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح؛ ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

بدانند واکنش این ظلمها سیلیِ سنگین‌تری بر رخسار زشت آنها است. عزم جوانان شجاع فلسطینی، عزم ازجان‌گذشتگان فلسطینی، با این جنایتها استوارتر میشود؛ امروز این‌جور است. گذشت آن روزی که کسانی می‌آمدند بلکه بتوانند با زبان، با نشست‌وبرخاست با ظالم، برای خودشان در فلسطین یک موقعیّتی ایجاد کنند؛ آن زمان دیگر گذشت. امروز فلسطینی‌ها بیدارند،جوانها بیدارند، طرّاحان فلسطینی با مهارت کامل مشغول کارند.[1]

بحران‌زدگی و عدم کنترل امور در صفوف دشمنان

دشمن صهیونیستی با همه‌ی کمکهای آمریکا، با همه‌ی کمکهایی که بعضی از دولتهای خائن، به او انجام دادند، نتوانسته نیروی مقاومت را زمین‌گیر کند، نتوانسته آنها را مغلوب کند. هدفی که اعلام کردند ریشه‌کن کردن حماس بود؛ امروز حماس - حماس و جهاد و به طور کلّی مقاومت در فلسطین - با قدرت کامل ایستادگی کرده، اینها کاری با آنها نمیتوانند بکنند.[2] وضعیّت رژیم صهیونیستی هم برای همه روشن شد؛ معلوم شد که رژیم صهیونیستی نه فقط در حفاظت از خود دچار بحران است، بلکه در بیرون آمدن از بحران هم دچار بحران است؛ در باتلاق گیر

۱. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح؛ ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

۲. بیانات در مراسم تنفیذ حکم چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۳/۰۵/۰۷

میکنـد، نمیتوانـد خـودش را نجـات بدهـد. ورود رژیـم صهیونیسـتی در غـزّه بـرای او ایجـاد باتـلاق کـرد؛ امروز اگر از غـزّه بیرون بیاید، شکسـت خورده، بیـرون هـم نیایـد، شکسـت خـورده؛ وضـع رژیـم صهیونیسـتی این‌جوری اسـت. همیـن تناقضی که در تصمیم‌هـای آنهـا وجـود دارد و سـرگیجه‌ای کـه بـه آن دچار هسـتند، موجب شـده در داخـل رژیم صهیونیسـتی اختلافـات عمیق بین مسـئولین رژیم صهیونیسـتی، بیـن خودشـان بـه وجـود بیایـد که نتواننـد تصمیـم بگیرنـد؛ امـروز رژیم صهیونیسـتی نمیتوانـد تصمیـم بگیـرد؛ ایـن او را بـه سـقوطِ هـر چه بیشـتر ان‌شـاءالله نزدیک میکنـد.[۱] آن‌طوری که اطّلاعـات متعـدّد به مـا می‌گویـد، سیاسـتِ جاریِ ایـن روزهـا، یعنی همین هفتـه‌ی اخیرِ داخـلِ رژیمِ صهیونیسـتی را آمریکایی‌ها دارنـد تنظیم میکنند.[۲]

ابعاد و آموزه‌های جهانی طوفان الاقصی

معجزه‌ی صبر و ایمان

دلهـای ما خون اسـت بـه خاطر مصائـب مردم فلسـطین و بالخصـوص مـردم غـزّه؛ ناراحتیـم، امّـا وقتـی بادقّـت نـگاه میکنیـم، می‌بینیـم آن کـه در میدان پیروز اسـت مردم غزّه‌اند، مردم فلسـطینند؛ اینهـا توانسـتند کارهـای بزرگی انجـام بدهنـد. اوّلاً مردم غزّه با صبر خودشـان، با ایسـتادگی خودشان، با تسـلیم نشـدن خودشـان نقاب دروغیـن حقوق

۱. سخنرانی نوروزی در جمع اقشار مختلف مردم؛ ۱۴۰۳/۰۱/۰۱
۲. بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی؛ ۱۴۰۲/۰۷/۲۵

بشـر را از چهره‌ی آمریکا و فرانسـه و انگلیس و امثال اینهـا کنـار کشـیدند، اینهـا را رسـوا کردنـد. مـردم غـزّه با صبـرِ خودشـان توانسـتند وجدان بشـری را بـه حرکـت دربیاورنـد... یکـی از کارهـای مهمّی که [عملیّـات] طوفان‌الاقصـی انجـام داد ایـن بـود که نشـان داد چگونه یک گـروه اندک ـ اینهـا در مقابل آنها کمند دیگر؛ تعدادشـان کمتر اسـت ـ با تدارکات و امکانـات بسـیار کـم امّـا بـا ایمـان و عـزم راسـخ، میتوانـد محصـول سـالها تـلاش جنایت‌کارانـه‌ی دشـمن را در ظـرف چند سـاعت دود کنـد و به هوا بفرسـتد؛ میتوانـد دولتهـای متکبّر و مسـتکبر عالم را تحقیـر کنـد؛ فلسـطینی‌ها، هـم رژیـم غاصـب را، هـم پشـتیبانان رژیـم غاصـب را تحقیـر کردنـد، بـا عمـل خودشـان، بـا شـجاعت خودشـان، بـا اقدام خودشـان، و امروز با صبر خودشـان. این یک درس بـزرگ اسـت. البتّـه ایـن جنایتهـا بشـریّت را تـکان داد، همـه را تـکان داد.[1] «کَم مِن فِئَةٍ قَلیلَةٍ غَلَبَت فِئَةً کَثیرَةً بِاِذنِ اللّه». شـما یـک فئـه‌ی قلیله‌ای هسـتید کـه توانسـته‌اید بـر فئـه‌ی کثیـره غلبـه پیـدا کنید؛ فئـه‌ی کثیـره آمریـکا، ناتـو، انگلیـس و بعضی‌هـای دیگـر هسـتند. پـس آن، وعـده‌ی دیگـر هـم کـه محـو اسـرائیل اسـت، قابـل تحقّق اسـت: تشـکیل فلسـطین، مـن البحر الـی النّهـر؛ ان‌شـاءالله آن روز را هـم خواهیـد دیـد.[2] بـه نظر مـن هر کسـی راجع بـه غزّه صحبـت میکند، بایـد راجع به صبـر مردم و

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۰/ ۰۸/ ۱۴۰۲
۲. بیانات در دیدار آقای هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس؛ ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

اقتـدار مـردم و اقتدار رزمنـدگان حرف بزنـد، وَالّا به اینها ظلم شـده؛ انصافـاً این صبری کـه اینها کردند [خیلـی مهم اسـت].[1]

ایجاد محبوبیت و ترویج اسلام و قرآن

امروز بلندترین پرچم اسلام در دست ملت فلسطین و مردم غزه اسـت و به برکـت ایـن مقاومـت زمینـه ترویج بیـش از پیش اسـلام فراهم آمـده اسـت... یکـی از دغدغه‌هـای همیشـگی متفکرین اسـلامی چگونگـی ترویج اسـلام و ارائه یـک الگـو از جامعه اسـلامی بـود. گرایـش روزافزون به اسـلام در مقطع فعلـی نشـان دهنـده عظمـت ایسـتادگی ملت فلسـطین و مـردم غزه اسـت.[2] این مقاومتـی که نیروهای مقاومـت در داخل غزّه انجام دادنـد و دشـمن را مأیـوس کردنـد از اینکـه بتواند آنهـا را از بیـن ببرد، ناشـی از نیروی اسـلام بود. این صبـری که مـردم مظلوم غـزّه بر ایـن بمبارانهـا و بر ایـن فشـارها از خودشـان نشـان دادنـد، ناشـی از ایمـان اسـلامی بود. پـس ایمان اسـلامی اینجـا بارز شـد؛ جوری شـد کـه طبـق خبرهایـی کـه دادند و قاعدتـاً شـنیده‌اید، در کشـورهای غربـی، در خـود آمریـکا، در خـود اروپـا، بسـیاری از جوانهـا رفتنـد

۱ . بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای استان لرستان، ۰۳/ ۰۸/ ۱۴۰۲

۲ . دیدار آقای اسماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس و آقای زیاد النخالة دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با رهبر انقلاب، ۰۹/ ۰۵/ ۱۴۰۳

دنبال قرآن که ببینند چه چیزی در این قرآن هست که موجب می‌شود مردم معتقد به آن، این‌جور در مقابل این مشکلات دهشتناک و عظیم بتوانند مقاومت کنند. اسلام خودش را نشان داد.[1] این خاصیّت صبر و توکّل است. مردم غزّه با ایستادگی خودشان اسلام را ترویج کردند. در اطراف دنیا، انسانهای جستجوگر میخواهند ببینند این عاملی که مبارز فلسطینی را این‌جور در صحنه نگه میدارد چیست، این اسلام چیست. اسلام را معرّفی کردند؛ در خیلی از چشمها، قرآن را محبوب کردند.[۲]

اثبات کارآیی و لزوم تشکیل جبهه‌ی مقاومت

این قضیّه، حقّانیّت تشکیل جبهه‌ی مقاومت را نشان داد. بعضی مطرح میکردند که خب این جبهه‌ی مقاومت در غرب آسیا چه لزومی داشت؛ نشان داده شد که حضور جبهه‌ی مقاومت در این منطقه جزو حیاتی‌ترین مسائل است؛ روزبه‌روز هم بایست این جبهه‌ی مقاومت تقویت بشود. طبیعی است انسانهایی که وجدان بیدار دارند در این منطقه، وقتی ظلم صهیونیست‌ها را می‌بینند... ساکت ننشینند، آرام ننشینند، به فکر مقاومت بیفتند؛ تشکیل جبهه‌ی مقاومت

---

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران دومین کنگره ۲۴ هزار شهید استان خوزستان؛ ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

۲. بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور؛ ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

برای این است؛ برای مواجهه‌ی با این ظلمِ مستمرّ دائمیِ جنایت‌کاران صهیونیست علیه ملّت فلسطین و حامیان فلسطین است.[1] این مردم مظلوم و مقتدر، توانستند دنیا را تحت تأثیر خودشان قرار بدهند؛ امروز دنیا تحت تأثیر مبارزات مردم غزّه و فلسطین است. دنیا به این مردم به چشم قهرمان نگاه میکند؛ هم به مردمش، هم به مبارزانشان، به گروه مقاومتشان، به چشم قهرمان نگاه میکند؛ اینها قهرمانند.[2]

رونمایی از قدرت جبهه‌ی مقاومت در منطقه

در این چند ماه اخیر، جبهه‌ی مقاومت از وضع واقعی خود رونمایی کرد. شاید نه آمریکایی‌ها، نه غربی‌ها، نه دولتهای منطقه، قدرت مقاومت و توانایی مقاومت در این منطقه را آن طوری که واقعاً وجود داشت و وجود دارد نمی‌دانستند؛ حالا فهمیدند. این مقاومت فلسطین را شما نگاه کنید! این صبر مردم مظلوم غزّه را ببینید! این اراده و انگیزه‌ی مبارزان مقاومت فلسطینی از حماس و بقیّه‌ی گروه‌ها را مشاهده کنید! این قدرت اراده در مقاومت را، در لبنان، در یمن، در عراق ببینید! این مقاومت، این[جور] است. مقاومت از وجود واقعی خود، از توانایی‌های خود، از وضع خود رونمایی کرد؛ به دنیا نشان داد که مقاومت یعنی چه. همه‌ی محاسبات آمریکا را اینها به هم

۱. سخنرانی نوروزی در جمع اقشار مختلف مردم؛ ۱۴۰۳/۰۱/۰۱
۲. بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور؛ ۱۴۰۲/۱۰/۲۶

ریختنـد. آمریکایی‌هـا در ایـن منطقـه درصـددِ آن بودنـد که بـا حضور خودشـان بـر همـه‌ی اوضاع و احـوال ایـن منطقـه حاکمیّـت پیـدا کننـد؛ چه در عـراق، چه در سـوریه، چه در لبنان، چـه در همه‌ی منطقـه؛ با یک محاسـبه‌ی غلط، یـک چنین فکری میکردنـد؛ قـدرت مقاومـت ایـن محاسـبه را به هم ریخـت؛ نشـان داد کـه چنین چیزی ممکن نیسـت و آمریکایی‌هـا نمیتواننـد در ایـن منطقـه بماننـد؛ ناچارنـد منطقه را تخلیـه کنند.[1]

رسوا شدن تمدن غرب و مدعیان آن

حادثـه‌ی غـزّه، تمدّن غربـی را و فرهنگ غربی را در دنیـا رسـوا کرد؛ نشـان داد کـه تمـدّن اینها یک تمدّنـی اسـت کـه در آن، آن‌چنـان بی‌رحمـی‌ای رواج دارد و مجـاز اسـت کـه جلـوی چشـم داریـم می‌بینیم بیمارسـتان را میزنند، در یک شـب صدها نفـر را بـه قتـل میرسـانند، در ظرف سـه چهـار ماه نزدیـک بـه سـی هـزار نفـر را - کـه اغلـب آنهـا هم زن و کـودک هسـتند - در یـک منطقـه‌ای بـه قتل میرسـانند.[2] تمـدّن غرب، تمدّنـی که با ریـاکاری، با نفـاق، بـا دروغ‌گویـی، دائم از بشـر و حقوق بشـر و حقـوق انسـان و از این حرفهـا دَم میزنـد و با اعدام یـک مجـرم مخالفنـد ـ یـک نفر یـک جرمـی کرده، فرض کنیـد چند نفر را کشـته، میخواهند قصاصش کننـد، اعدامش کنند، سروصدایشـان بلند میشـود

۱ . سخنرانی نوروزی در جمع اقشار مختلف مردم؛ ۱۴۰۳/۰۱/۰۱
۲ . بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۱۴۰۲/۱۱/۱۹

که «آقا! اعدام، اعدام» - سی هزار نفر در طول سه چهار ماه به دست رژیم صهیونیستی اعدام می‌شوند، اینها چشمهایشان را می‌بندند، کأنّه اتّفاقی نیفتاده! بعضی‌هایشان ــ همه هم نه - در زبان میگویند که چرا مثلاً اسرائیل چنین میکند، کشتار میکند؛ زبانی یک چیزی می‌گویند، امّا در عمل پشتیبانی می‌کنند، اسلحه میدهند، کالاهای مورد نیازش را میدهند و آمریکا با وقاحت تمام، برای بار چندم، قطعنامه‌ی قطع بمباران مردم را وتو می‌کند! اینجا تمدّن غرب خودش را نشان داد؛ تمدّن غرب این است. فرهنگ غرب، تمدّن غرب، این ظاهرهای اتوکشیده‌ی سیاستمداران غربی، باطنش این است؛ ظاهر یک ظاهر با لبخند، باطن یک سگ هار، یک گرگ خونخوار. این تمدّن غرب است؛ این لیبرال دموکراسی غرب است؛ نه لیبرالند، نه دموکراتند، دروغ می‌گویند و با نفاق دارند کار خودشان را پیش می‌برند.[1]

دولتهای غربی در حوادث امسال، ذات شریر تمدّن غربی را علناً به دنیا نشان دادند. ماها میگفتیم، منتقدین تمدّن غربی بارها تکرار میکردند، میگفتند که این تمدّن بر پایه‌ی شرارت بنا شده، بر پایه‌ی جدایی و عناد با معنویّت و فضایل معنوی و ارزشهای معنوی بنا شده است؛ از آن انتظار خیر نمیشود داشت؛ این را همه میگفتند، امّا در حوادث این شش ماهِ گذشته

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران دومین کنگره ۲۴ هزار شهید استان خوزستان؛ ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

در مسـئله‌ی غزّه و فلسـطین، خـود دولتهای غربی این ذات شـریر را در مقابل چشـم همـه‌ی دنیا قرار دادنـد؛ نشـان دادنـد کـه ایـن تمـدّن چـه تمدّنی اسـت؛ کـودک میکشـند در آغـوش مـادر، بیمـار میکشـند در بیمارسـتان؛ زورشـان بـه مقاومـت و مـردان مقاومـت نمیرسـد، می‌افتنـد بـه جـان خانواده‌هـا، بـه جان کـودکان و مظلومـان، به جان پیرمردهـا؛ سـی و چنـد هـزار انسـان بی‌دفـاع را در این شـش ماه، اینها به قتل رسـاندند. کجا هسـتند آن کسـانی که آهنگ ناهنجارشـان دربـاره‌ی حقوق بشـر گوش دنیـا را کـر میکنـد؟ کجایند؟ چـرا اینجا را نمی‌بیننـد؟ اینهـا بشـر نیسـتند؟ اینهـا حقـوق ندارند؟[1]

افزایش نفرت از امریکا در جهان

آمریـکا در مسـئله‌ی غـزّه بدتریـن وضعیّـت ممکـن را [پیـش] گرفـت؛ آمریـکا بدتریـن وضعیّت ممکـن را در منطقـه‌ی غـزّه انتخاب کـرد؛ کاری کرد کـه در همـه‌ی جهـان منفور شـد.[2] اسـرائیل بدون آمریـکا نمیتوانسـت دسـت بـه ایـن سـفّاکی بزنـد؛ اگـر آمریـکا موافـق نبـود، اسـرائیل جرئـت نمیکرد. رژیـم صهیونیسـتی بـه پشـت‌گرمیِ آمریـکا بـود کـه توانسـت این‌همـه جنایـت... انجـام بدهـد؛ ایـن را همـه میدانند در دنیا. آبروی آمریـکا رفت؛ خود این بزرگ‌تریـن موفّقیّـت اسـت؛ این بزرگ‌تریـن پیروزی

---

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۲۲ / ۰۱ / ۱۴۰۳

۲. سخنرانی نوروزی در جمع اقشار مختلف مردم؛ ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

است برای جبهه‌ی حق و جبهه‌ی مقاومت... ذات کاخ سفید برملا شد.[1] این کسانی که در خیابانهای لندن و پاریس و بقیّه‌ی کشورهای اروپایی و خود آمریکا به نفع فلسطین تظاهرات میکنند، اینها در واقع اعلام نفرت از آمریکا میکنند؛ آمریکا در دنیا منفور شد؛ در منطقه منفور بود، ده برابر بیشتر منفور شد.[2] در این قضیّه، آمریکا شریک جرم قطعی جنایتکاران است؛ یعنی در این جنایت، دست آمریکا تا مِرفق در خون مظلومان و کودکان و بیماران و زنها و مانند اینها داخل شده و آلوده است؛ در واقع، او دارد به یک نحوی مدیریّت میکند این جنایتی را که در غزّه دارد انجام میگیرد؛ آمریکا است که دارد مدیریّت میکند.[3]

بیدار ساختن وجدان عمومی عالم

دامنه‌ی این جنایت به قدری وسیع شد که وجدان عمومی را در دنیا تکان داد. شما ملاحظه می‌کنید که مردم در شهرهای آمریکا، در شهرهای اروپایی، در پایتختها و همچنین در کشورهای اسلامی می‌آیند مخالفت خودشان را صریحاً ابراز می‌کنند... مردم دنیا عصبی‌اند و انسان می‌داند که این روحیه‌ی خشمی که در مردم به وجود آمده، این آزار وجدانی‌ای که در این کشورها به وجود آمده، عکس‌العمل ایجاد خواهد کرد و هیچ

---

۱. بیانات در دیدار مردم «کرمان» و «خوزستان»؛ ۱۴۰۲/۱۰/۰۲

۲. سخنرانی نوروزی در جمع اقشار مختلف مردم؛ ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

۳. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای استان لرستان؛ ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

کـس نمی‌توانـد جلوی ایـن عکس‌العمـل را بگیرد.[1] این راه‌پیمایی‌هـا و تظاهراتـی را کـه در دنیا به نفع فلسـطینی‌ها و مـردم غـزّه و مظلومان ایـن منطقه اتّفـاق می‌افتد، این راه‌پیمایی‌ها بی‌سـابقه اسـت؛ در هیـچ کـدام از قضایـای [مختلـف] این‌چنیـن چیزی ما سـراغ نداریم. اینکه در آفریقا، در آسـیا، در اروپا، در خود کشـور آمریکا مـردم بیایند در خیابانها بـه نفـع مـردم فلسـطین شـعار بدهنـد، در طـول این ده‌ها سـالی کـه غصب فلسـطین اتّفـاق افتاده بی‌سـابقه اسـت... اینها مسـائل مهمّی اسـت؛ باید بـا چشـم عبرت بـه اینهـا نگاه کـرد. یـک حادثه‌ای دارد اتّفـاق می‌افتـد.[2] مـردم غـزّه با صبرِ خودشـان توانسـتند وجـدان بشـری را بـه حرکـت دربیاورند. الان شـما ببینیـد در دنیا چه خبر اسـت. در همین کشـورهای غربـی - در انگلیـس، در فرانسـه، در ایتالیـا، در ایالتهـای مختلـف خود آمریـکا - مردم با جمعیّت‌هـای انبـوه می‌آینـد داخل خیابـان، علیه اسـرائیل و در مـوارد بسـیاری علیـه آمریـکا شـعار می‌دهنـد؛ آبـروی اینهـا رفت.[3]

---

۱. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای استان لرستان؛ ۱۴۰۲/۰۸/۰۳

۲. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی؛ ۱۴۰۳/۰۱/۲۲

۳. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان؛ ۱۴۰۲/۰۸/۱۰

كربلاء طريق الأقصى

Karbala is the path to Al-Aqsa